

مطبوعات

گمونیستی ایراد در مهاجرت

در سالهای ۱۳۱۱ - ۱۲۹۶



سولماز رستم‌ووا - توحیدنی

مطبوعات کمونیستی ایران
در مهاجرت
(در سالهای ۱۹۳۲ - ۱۹۱۷)

www.iran-archive.com

۱۹۸۵

نشریه روزنامه «آذربایجان»

فهرست

- سخنی چند از رداکتور کتاب ۵
- فصل اول. پیدایش و رشد مطبوعات کمونیستی ایران
در سالهای ۱۹۲۵ - ۱۹۱۷
- ۱ - مبارزه زحمتکشان ایران در راه دسکراسی و ایجاد سازمانهای
کارگری و حزبی ۹
- ۲ - مطبوعات نخستین حزب کارگری ایران «عدالت» ۲۲
- ۳ - مطبوعات کمونیستهای ایران در ساوراء قفقاز و ترکستان ۴۳
- ۴ - هم بیوند فعالیت تبلیغی کمونیستهای ایران در داخل و خارج
کشور ۵۹
- فصل دوم. مطبوعات کمونیستی ایران در مهاجرت در دوران رژیم ارتجاعی
پهلوی و بحران سرمایه جهانی (سالهای ۱۹۲۲ - ۱۹۲۵)
- ۱ - مبارزه مطبوعات کمونیستی ایران در راه تبدیل حزب به یک
سازمان توده‌ای ۶۴
- ۲ - انتقاد از سیاست داخلی و خارجی رژیم پهلوی و مبارزه در
راه منافع حیاتی توده‌ها ۷۸
- ۳ - مطبوعات کمونیستی ایران در مهاجرت و مسئله جبهه واحد ملی ۱۰۲
- ۴ - نقش نویسندگان حزبی در تبلیغ اندیشه‌های انقلابی ۱۱۴
- ۵ - اشکال و شیوه‌های مطالب مطبوعات کمونیستی ایران ۱۲۹
- ۱۳۷ نتیجه

سخنی چنداز رداکتور کتاب

کتابی که بنام «مطبوعات کمونیستی ایران در مهاجرت» در دست دارید رساله دوشیزه سولماز رستم‌وواستوخیلی کارمند علمی آکادمی علوم آذربایجان شوروی است که در دسترس خوانندگان و پژوهشگران گذاشته میشود.

مطبوعات کمونیستی ایران همچون خود حزب کمونیست ایران در یکی از بحرانی ترین ادوار زندگی سیاسی و اجتماعی خلقهای کشور، یعنی در آخرین سالهای سلطنت سلسله قاجارید یا بعمره وجود گذارده و در سائهای اوایل سلطنت بهلوی دشوارترین مراحل فعالیت خود را پیموده و تاکنون شرحی گسترده‌ای از این تاریخ در دسترس خوانندگان و پژوهشگران قرار نگرفته است.

اشوار و «راحل مختلف تاریخ مطبوعات ایران بطور کلی از طرف بعضی از پژوهشگران ایرانی و خارجی تحقیق و انتشار یافته است. منتهی و مکمل ترین آنها «تاریخ جراید و مجلات ایران» نام دارد که پژوهشگر دانشمند محمد صدر هاشمی آن را در چهار جلد تالیف و در سالهای ۱۹۵۲ - ۱۹۴۸ در اصفهان چاپ و منتشر نموده است. مؤلف از پیدایش اولین روزنامه عمه جراید و مجلات ایران را که خواهد در داخل و خواهد در خارج کشور تا سال ۱۹۴۱ انتشار یافته است بدقت تحقیق و با صرف سالیها زحمت این خدمت ذیقیمت را بعالم مطبوعات و بتاریخ ایران مبنول دانسته است. متأسفانه در این آثار از مطبوعات کمونیستی و کارگری ایران که قسمت مهم و ارزنده تاریخ مطبوعات ایران است اسمی برده نشده است. اگر در یکی دو جا اسمی از این قبیل روزنامه‌ها و مجلات برده شده است از منسوبیت آن به فردی، جمعیتی ویا حزبی و اینکه در کجا و چه وقت و چرا نشر شده است بحثی پیمان نیامده است. از این‌رو بدین پژوهشگران و نویسندگان تنها محمد صدر هاشمی نیست که این شیوه را در کار تحقیقی خود بکار برده است. اغلب مؤلفینی که خواسته‌اند در نوشته‌های خود از مطبوعات ایران اطلاعاتی در دسترس خوانندگان بگذارند از این شیوه نا مطلوب پیروی کرده‌اند.



نخستین پژوهشگر تاریخ مطبوعات ایران دانشمند مشهور میرزا محمد علی خاں تربیت است که از پیدایش اولین روزنامه ایران «وقایع اتفاقیه» در سال ۱۲۶۷ هجری قمری (۱۸۵۱ میلادی) تا سال ۱۳۳۱ هجری قمری (۱۹۱۲ میلادی) اثری بنام «ورقی از دفتر تاریخ مطبوعات ایرانی و پارسی» تالیف و توسط خاورشناس انگلیسی ادوارد براون به انگلیسی ترجمه و در سال ۱۹۱۴ در لندن منتشر شده است. این اثر دوره‌ای از تاریخ مطبوعات ایران را احاطه میکند که در آن دوره مطبوعات کمونیستی ایران با بحران وجود نگذارد شده است و چنین است نوشته‌های م. ل. رینو انگلیسی‌مآب سیاسی انگلیس در رشت که تحقیقات او هم تاریخ مطبوعات اوایل قرن بیستم را احاطه میکند.

اثر معتبر دیگر جداول اسامی روزنامه‌ها و مجلات ایرانی است که در شماره ۶، مجله «کاود» از طرف بکده روشنفکر ایرانی در سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۱۶ در برلین منتشر شده است. نشر این جدول‌ها با آنکه مصادف با آغاز انتشار روزنامه‌های کارگری و کمونیستی ایران است. به‌یچوجه نامی از این روزنامه‌ها در این جدول‌ها نوشته نشده است.

در آثار ملك الشعر بهار نیز بویژه در جلد دوم کتاب سبک‌شناسی و دیگر نوشته‌های او که از مطبوعات ایران سخن میراند از روزنامه‌های کارگری و کمونیستی ایران سخن به‌یمنان نیامده است. ولی در کتابی بنام «تاریخ معارف آذربایجان» که بقلم دانشمند معارف دوست حسین امید در سال ۱۳۳۵ شمسی (۱۹۵۶ میلادی) در دو جلد و در تبریز برشته تحریر در آمده است نام روزنامه‌های کمونیستی و کارگری منتشره در شهرهای تبریز و خوی شرحی داده شده است. همچنین آثاریکه درباره نهضت اتحادیه‌های کارگری از سال ۱۹۰۶ الی ۱۹۵۳ ضمن چند کتاب و مقاله توسط علی شمیده نوشته شده است از روزنامه‌های کارگری نیز مباحثی به‌یمنان آمده است.

از پژوهشگران شوروی نویسنده‌ای بنام ک. چایکین در کتاب تحقیقاتی خود موسوم به «خلاصه‌ای از ادبیات نوین ایران» که در سال ۱۹۲۸ در مسکو انتشار داده. درباره چند روزنامه کمونیستی ایران از جمله روزنامه‌های «حقیقت»، «کار»، «اقتصاد ایران» و مجله «خلق» منتشره در تبریز و همچنین از فعالیت ناشرین آنها شرحی نوشته شده است.

درست است که همه این آثار پژوهشی از طرف مؤلف کتاب دوشیزه سولمان رستم‌ووا توجیدی مطالعه و بررسی شده است ولی کلید و یا چراغ راهنمای پژوهشی او او آثاری است که در آنها «سستیما» و بلاواسطه از مطبوعات مهاجر ایرانی و بویژه از وضع مطبوعات کارگری و کمونیستی ایران سخن رفته است. از این آثار کتابی است بنام «مبارزه جراید مهاجر ایرانی بر علیه استعمار و امپریالیسم» که بقلم



هدایت حاتمی در سال ۱۹۶۴ انتشار یافته است. هدایت حاتمی در این کتاب از روزنامه‌هایی بحث میکند که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مجبور بوده‌اند در مهاجرت، یعنی در خارج از کشور، در شهرهای اسلامبول و کلکته و لندن و قاهره و سیهل روشنفکران آزادیخواه مهاجر و مبارز ایرانی نوشته شده و از راه‌های دور بوسیله مخفی وارد ایران گردیده و در بین مردم منتشر و پخش بشوند و همچنین آثاری بنام‌های «پیدایش حزب کمونیست ایران» و بویژه «تاریخ مختصری از مطبوعات کارگری ایران» که توسط اقامت این سطور طی سالها تحقیق و در سال ۱۹۶۳ چاپ و منتشر شد.

سولماز رستم‌ووا توحیدی از اسلوب نگارش و از اسناد و مدارک موجود در آثار اشاره شده در بالا حداکمل استفاده را نموده و «مطبوعات کمونیستی ایران در مهاجرت» را بازبان ساده و روان برشته تحریر در آورده است. مؤلف در تجسس و جمع‌آوری اسناد و مدارک ضروری دیگر نیز کوشش بسیار بخرج داد و مدارک فراوانی از آرشیوها و با یگان‌های مؤسسات علمی جمهوریت های آذربایجان شوروی، ترکمنستان شوروی، تاجکستان شوروی و غیره جمع آوری و در تهیه کتاب خود بطور شایسته‌ای از آنها استفاده نموده و یک چنین اثر ارزنده‌ای بتاریخ مطبوعات کارگری ایران تقدیم نموده است. «مطبوعات کمونیستی ایران در مهاجرت» بابتکار مؤلف و ضرورت گروه‌نولوژی تاریخ در دو قسمت مشخص تحقیق شده است.

قسمت اول این کتاب از روزنامه‌ها و مجلاتی بحث میکند که در شهرهای قفقاز و آسیای مرکزی، نقاطی که تجمع کارگران و زحمتکشان ایرانی در آنها انبوه و متراکم بوده و اولین سازمان‌های سیاسی کارگری در آنهاجا تشکیل و یا بمیدان مبارزه گذارده، مطبوعات و ارگان‌های خود: «برق عدالت»، «حریت»، «یولداش»، «آزادی ایران»، «حمیال» و غیره را در همان نقاط، یعنی در خارج کشور، در مهاجرت تاسیس و منتشر نموده‌اند.

قسمت دوم «مطبوعات کمونیستی ایران در مهاجرت» مصادف با مبارزه‌های شدید طبقاتی و کشمکش‌های سیاسی حزب کمونیست ایران علیه طبقات استثمارگر و بویژه رژیم دیکتاتوری و پلیسی رضاشاه و حامیان او، یعنی استثمارگران انگلیسی است که در این دوره حزب کمونیست ایران بواسطه فقدان شرایط در داخل کشور مجبور بوده است ارگان‌های سیاسی خود، از جمله مجله «ستاره سرخ» و روزنامه «بیکار» و غیره را در مهاجرت در کشورهای آلمان و اطریش تاسیس و آنها را بوسیله مختلف مخفی بایران رسانده و در بین مردم مبارز کشور پخش نماید.

مؤلف کتاب «مطبوعات کمونیستی ایران در مهاجرت» ضمن تحقیق و گنکاش از مقالات و نوشته‌های ارگان‌های حزب عدالت و حزب کمونیست ایران شرح و تحلیل و



نتیجه‌گیری‌هایی ارائه می‌دهد که در واقع قابل مرور و تفحص است. مؤلف با ارائه خط‌مشی‌های مختلف و پیکر مبارزه علیه رژیم پلیسی که در آن سالها بشدت جریان داشته و وسیله نویسندگان حزبی در صفحات مطبوعات مهاجر منعکس می‌شده‌اند خواننده را بطور روشن از اوضاع آشنا می‌سازد و این خدمتی است بتاریخ مطبوعات کارگری و کمونیستی ایران. نشر کتاب برای مطالعه خوانندگان و پژوهشگران جوان و بویژه برای آنهاییکه تمایل شایانی باشناختی مطبوعات کارگری و کمونیستی ایران دارند بسیار مفید و ارزنده می‌باشد.

تقی شاهین دکتر در علوم تاریخ

فصل اول

پیدایش و رشد مطبوعات کمونیستی ایران در سالهای ۱۹۲۵ - ۱۹۱۷

۱- مبارزه زحمتکشان ایران در راه دموکراسی و ایجاد سازمانهای کارگری و حزبی

جنبش کارگری در ایران در آغاز سده بیستم زیر تأثیر جنبش انقلابی روسیه آغاز و در دوره انقلاب مشروطیت تازه پا به عرصه وجود میگذاشت. طبقه کارگر که در بند بقایای قرون وسطائی به شدت استثمار می‌شد و از هرگونه حقوق محروم بوده نمیتوانست رهبری جنبش انقلابی را در کشور بدست گیرد. کارگران ایران بدون پیش کشیدن خواستهای طبقاتی خاص خود، همراه باتهدستان شهری، خرده بورژوازی و دیگر لایه‌های شهری برای برقراری مشروطه در تهران، تبریز و دیگر شهرها، در جنبش توده‌ای، در نمایشات و بستن شرکت می‌کردند.

نخستین اعتصابات کارگران و کارمندان در ایران، در سالهای انقلاب مشروطه صورت گرفت. اما این اعتصابات سازمان یافته نبودند. نخستین سازمانهای توده‌های زحمتکش نیز در همین سالها ایجاد شدند: (انجمن‌های پیشووران و صنعتگران).

در همین دوره انقلاب است که سازمانهای سوسیال - دموکراسی در تهران، تبریز و رشت تشکیل شدند. نمایندگان روشنفکران انقلابی ایران که از طبقات و لایه‌های کوناگون جامعه برآمده بودند در تشکیل این سازمانها نقش بزرگ بازی کردند (۱).

۱ - ابراهیم‌آوف ت. آ. (شامین). پیدایش حزب کمونیست ایران - تهران، ۱۳۶۰. ص. ۸۱، ۶۴، ۵۴. - (از این پس: ابراهیم‌آوف (شامین)، کتاب نامبرده).

در دوره پیش از نهضت مشروطه، روشنفکران آزادخواه ایرانی که سبب ورود ترک کشور بودند، در مهاجرت جرایدی با خط مشی نسبتاً رادیکال نشر میدادند.

در صفحات این روزنامه‌ها مانند «قانون» - (لندن)، «اختر» - (استانبول)، «حبل المتین» - (کلکته)، «ثریا» - (قاهره) و دیگر روزنامه‌ها، پیامدهای فلاکت‌بار تسلط اقتصادی و سیاسی دولتهای سرمایه‌داری بر ایران، رژیم استبداد سلطنتی، کارمندان بلند پایه و وزیران که شرایط فعالیت بدون کنترل امپریالیستها را در کشور فراهم می‌آوردند، افشاء میشدند (۱).

این جراید اگر چه از لحاظ شیوه کار و ارزیابی مسائل گوناگون زندگی سیاسی ایران از یکدیگر متمایز و دارای نواقص بودند، لکن سازمانهای سوسیال - دمکراسی ایرانی یا ایجاد روابط نزدیک با سازمانهای سوسیال - دمکراسی قفقاز، اعلامیه‌هایی از همان سازمانها دریافت داشته و سپس در ایران تکثیر و در بین زحمتکشان ایران پخش میکردند (۲).

بلشویکنهای روسیه به کار در میان کارگران ایرانی ساکن قفقاز و تربیت حس انترناسیونالیسم در آنها توجه جدی داشتند. مثلاً در پی تشکیل سازمان سوسیال - دمکراسی «همت» در سال ۱۹۰۴ که به کار ترویجی در بین جمعیت اصیل آذربایجان میردخت در سال ۱۹۰۵ در باکو سازمان سوسیال - دمکراسی ایران «اجتماعیون - عامیون مجاهد» بوجود آمده. اعضای این سازمان در سال ۱۹۰۸ در گروههای مختلف برای شرکت در نهضت مشروطه به ایران اعزام شدند. اعلامیه‌های سوسیال - دمکراتهای ایرانی ساکن قفقاز در چاپخانه «همت» بچاپ رسیده و سپس در ایران پخش میشد.

ناظم الاسلام کرمانی در کتاب خود «تاریخ بیداری ایرانیان» به اهمیت فراوان اعلامیه‌هایی که از قفقاز میرسید، اشاره میکنند. در این اعلامیه‌ها گفته میشد: «ای اهالی ایران! ای فقرای کاسب ایران! جمع شوید، اتفاق نمائید، از بدل مال و جان مضایقه نکنید، خودتان را از دست این حاکمان خود مختار، ظالم، جبار خلاص نمائید! ای اهالی ایران، حمیت بکنید در باز یافت کردن حقوق شرعی خودتان. در راه حریت از کشته شدن نترسید، از روسها عبرت نموده، حیا کنید... آنها یک دفعه بیست

۱ - هدایت حاتمی، مبارزه جراید مهاجر ایرانی بر علیه استعمار و امپریالیسم (در آستانه انقلاب سالهای ۱۱ - ۱۹۰۵) - باکو ۱۹۶۴، ص. ۱۷، (بزبان آذربایجانی).

۲ - اسمعیل امیرخیزی، قیام آذربایجان و سنارخان - تبریز، ۱۳۲۹، ص. ۲۲۲

مزار نضر در راه حریت جان فدا نمودند (۱). ما اهالی ایران که در قفقازیه ساکن هستیم از هر جهت حاضر شدیم تا خود را در راه دولت و ملت فدا بکنیم. همت ای ملت ایران، غیرت ای اهالی ایران، زنده باد طرفداران حریت و ملت، نیست باد طرفداران استبداد» (۲).

در دوره نهضت مشروطه در ایران، مطبوعات رشد گسترده بی سابقه‌ای داشتند. سازمان سوسیال - دمکرات تریز روزنامه‌ها و اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی نشر میداد (۳). تنها در تهران نزدیک به ۸۰ روزنامه منتشر میشد (۴).

روزنامه‌های «مجلس»، «مورسرافیل» (بخصوص بخش طنز آن «چرند-پرند»)، «ایران نو» و «شرق» که از قوانین دمکراسی دفاع میکردند و به رویدادهای سیاسی جالب روزانه سپرداختند، از شهرت ویژه‌ای برخوردار بودند. در این حال کارگران ایران میکوشیدند روزنامه مخصوص به خود را منتشر کنند. مثلاً در ژوئیه سال ۱۹۱۰ در زان اعتصاب کارگران چاپخانه‌ها اعتصاب کنندگان روزنامه کوچک «اتفاق کارگران» را که دارای روح انقلابی بود، منتشر کردند (۵).

با آنکه سازمانهای سوسیال - دمکراسی در دوره سرکوب انقلاب ایران، در کشور نابود شدند، لکن یکی از نتایج فعالیت آنها و در کل انقلاب سالهای ۱۱-۱۹۰۵، ایجاد شرایط برای گسترش اندیشه‌های مارکسیستی در ایران بود.

در همان زمان وجود پراکندگی فئودالی، فئودالها را به رابطه با دیگر گروههای اجتماعی میکشانند و رشد مناسبات تولیدی و بیدایش مناسبات نوین سرمایه‌داری در روستا و شهر ایران رامنح میشد. تسلط دولتهای سرمایه‌داری بر گسترده زندگی اقتصادی و سیاسی کشور و سیاست استعماری امپریالیستها مانع رشد منابع ملی شده و رشد طبقه کارگر ایران را متوقف میساخت.

نابودی پیوسته فزاینده خرده بورژواها به تشکیل توده نیروی کار آزاد انجامید. بخشی از دهقانان در نتیجه قوانین حاکم بر کشاورزی، مجبور بودند روستا را ترک کرده و در شهرها و خارج از کشور بدنبال کار بگردند. دهقانان، بیسهموران و دیگر لایه‌های فقیر شده ایران هر سال بیش از پیش‌ینا در دریای خزر و شهرهای کنار رودلکاو آسیای میانه را بدنبال کار بر میکردند. گرسنگی، بیماری، فقدان کار در مین و نیز سطح نسبتا بالای

-
- ۱ - منظور رویدادهای ۹ ژانویه سال ۱۹۰۵ در پتربورگ است.
 - ۲ - ناظم الاسلام کرمانی، «تاریخ بیداری ایرانیان» - تهران، ۱۳۴۶، ص. ۳۶۸.
 - ۳ - باولویچ م. ب. «خاور زمین در مقابل مبارزه برای استقلال» - مسکو، ۱۹۸۰، ص. ۱۶۴. (بزبان روسی).
 - ۴ - همانجا، ص. ۱۷۸.
 - ۵ - همانجا، ص. ۱۷۶.

دستمزد در روسیه، تپیدستان ایرانی را و ادار میساخت با هر کار دشواری موافقت کنند و آنان را بیش از هر چیز به نیروی کار ارزان تبدیل میکرد. تصادفی نیست که در صنایع استخراج نفت باکو که در آذربایجان تقریباً تمام کار استخراج دستی انجام میگرفت، ایرانیها بخش اعظم کارگران غیر ماهر را تشکیل میدادند و کار دشوارتر و کم درآمدی انجام میدادند و کثیرالعددترین گروه در بین همه گروههای ملی بودند (۱). مثلاً در سال ۱۹۱۵ فقط در صنایع استخراج نفت باکو ۱۳۴۹۹ کارگر ایرانی کار میکردند که (۲۹٪) کل کارگران و کارمندان صنایع نفت را تشکیل میدادند (۲). در همان حال، مهاجرت دهقان زجر کشیده ایرانی به صنایع عظیم شهرها آگاهی او را افزایش داد. و ای. لنین ضمن توصیف مهاجرت بعنوان يك پدیده مترقی، اشاره میکرد که: «مهاجرت، ساکنان را از رویدادهای متروک. عقب مانده و فراموش شده مکانهای دور دست جدا کرده و به گرداب زندگی اجتماعی معاصر میکشاند» (۳).

امکان کار در رشتههای گوناگون اقتصاد روسیه برای تپیدستان ایرانی، عامل بزرگ در امر تشکیل طبقه کارگر ایران بود. آنها همراه با کارگران روسیه در اعتصابات و نمایشها شرکت کرده و بدین ترتیب مکتب مبارزه انقلابی را میگردانند.

دهها هزار ایرانی که در مازندران قفقاز و آسیای میانه در دشوارترین واحدهای صنایع، حمل و نقل و کشاورزی مورد بهره‌گسی قرار داشتند، نه تنها شاهدان زنده رشد توین جنبش کارگری و آزادیبخش توده‌های خلق روسیه، بلکه همچنین شرکت کنندگان فعال این جنبش بودند. مثلاً در تابستان سال ۱۹۱۴ کارگران ایرانی فعالانه به صفوف پرولتاریای باکو که شجاعانه اعتصاب ۴۲ روزه‌ای را برگزار کرد، پیوستند (۴). بیشتر شرکت کنندگان و تقریباً نیمی از رهبران اعتصابات پی در پی کارگران صنایع استخراج نفت را در جریره چلکن در دریای خزر در سالهای ۱۵ - ۱۹۱۲ ایرانیان تشکیل میدادند (۵). آنها هنگام شرکت در مبارزه اعتصابی، اندیشه‌های نوین را عمیقاً درک کرده و تجزیه و تحلیل مسائل اقتصادی و سیاسی را می‌آموختند.

۱ - عبداله‌یف. ز. ز. صنایع و پیدایش طبقه کارگر ایران - باکو، ۱۹۶۳، ص. ۱۹۳، (بزبان روسی).

۲ - ایوانوف. م. س. طبقه کارگر ایران معاصر، مسکو ۱۹۶۹، ص. ۱۱۷، (بزبان روسی).

۳ - و. ای. لنین. کلیات آثار، جلد ۳، ص. ۵۷۶.

۴ - ابراهیم‌اؤف، (شاهین). کتاب نامبرده، ص. ۱۱۶.

۵ - ساتویف، آ. م. انقلاب گبیر سوسیالیستی اکثر و مهاجران ایرانی در ترکمنستان، ۱۹۲۱ - ۱۹۱۸، آثار (انستیتیوی تاریخ حزب نزد کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکمنستان)، ۱۹۵۹، شماره ۶، ص. ۱۲۶ (بزبان روسی).

در دوره جنگ جهانی اول مبارزه سیاسی کارگران ایرانی خصلت یکپارچه و شدید داشت و از میان آنها سازمانگران با تجربه و با استعدادی بیرون آمدند که از توانائی رهبری مبارزه انقلابی کارگران و دیگر لایه‌های زحمتکش ایران برخوردار بودند. مانند: اسداله غفارزاده، ب. آقاییف، ک. آقازاده و دیگران. کارگران ایرانی که در صنایع استخراج نفت باکو کار میکردند در سال ۱۹۱۶ یک گروه سوسیال - دمکرات تشکیل دادند و سپس در ماه مه سال ۱۹۱۷ پس از پیروزی انقلاب بورژوا - دمکراتیک فوریه در روسیه، حزب سوسیال - دمکرات ایران «عدالت» یعنی نخستین حزب کارگری ایران را بنیان نهادند.

حزب «عدالت» سرآغازی در مرحله نوین تاریخ رشد و متشکل طبقه کارگر ایران بود. این اولین حزب کارگری ایران بود که برای متحد کردن توده‌های گسترده به کرد شعارهای ضد فئودالی و ضد امپریالیستی بنا نهاده شد. در برنامه «عدالت» اشاره شده بود که «عدالت» بمثابة یک حزب کارگری، دهقانان و همه کسانی را که آماده دفاع از زحمتکشان هستند، در بر میگیرد. حزب برقراری حکومت دمکراتیک خلقی را از راه تشکیل واتحاد توده‌های آزادی - خواه زیر شعارهای سوسیال - دمکراسی، ضرور میدانست.

شعار برنامه حزب «پرولتاریای سراسر جهان، کارگران و زحمتکشان سراسر ایران متحد شوید!» بود. «عدالت» معتقد بود که باید بمنافع همه بشریت خدمت کرد. سازگار بانظرات بنیانگذاران حزب، یکی از عمده‌ترین وظایف حزب عبارت بود از شرکت در مبارزه انقلابی پرولتاریای روسیه. کارگران مترقی ایرانی که رهائی هم میهنان خود را در پیوند تنگاتنگ با آزادی و خوشبختی طبقه کارگر روسیه میدیدند، پی برده بودند، تازمانیکه زمیندارها و سرمایه‌دارهای روسیه پیروز باشند، نمیتوان به آزادی و نجات ایران از چنگال امپریالیستیا و ارتجاع داخلی فکر کرد.

رهبری جنبش آزادیبخش - ملی ایران و برقراری نظام دمکراتیک و تدارک برای گذر به حاکمیت پرولتاریا، یکی از مهمترین وظایف حزب بود. حزب، متشکل و استوار سازی سازمانهای محلی در همه مناطق و نواحی ایران را برای انجام وظایف تعیین شده ضروری میدانست (۱).

بنیانگذاران اصلی حزب: اسداله غفارزاده، ب. آقاییف، م. لطفی، ع. یوسفزاده، م. آقاییف و دیگران که مکتب مبارزه انقلابی را در انقلاب سال ۱۹۰۵ روسیه گذرانده بودند، سابقه ۱۵ - ۱۰ سال فعالیت انقلابی بر دوش داشتند. ع. ی. پیکویان مینویسد: «از میان رهبران سازمان «عدالت»، من سه کارگر با استعداد برادران آقاییف

۱ - مرمانامه اجتماعيون - عاميون (سوسیال - دمکرات) ایران «عدالت»، ص. ۱۲ - ۰۱ (بدون تاریخ).

را بخوبی می‌شناسم. این برادران اگر چه دارای تحصیلات نبودند. اما ذاتاً رهبران با استعدادی بودند. تجربه سیاسی داشتند. به اسر کمونیسم شدیداً وفادار بودند. بدون چشم داشت حتی میتوانم بگویم، با تعصب به اندیشه‌های حزب ایمان داشتند. آنها در همه جلسه‌ها فعالانه شرکت داشته و همراه با کمونیست‌ها عمل میکردند» (۱).

غلاوه‌پر باکو کمیته‌های حزب «عدالت» در دیگر شهرهای آذربایجان، آسیای میانه، مسکو، آسترخان و در شهرهای شمالی ایران نیز بوجود آمد (۲).

اسداله غفارزاده عضو حزب سوسیال دمکرات روسیه از سال ۱۹۰۵، انقلابی برجسته مسئول کمیته مرکزی حزب «عدالت» ایران بود. غفارزاده مبلغ و مارکسیست آتشین‌کلام در جریان سراسر فعالیت انقلابی خود، شرکت فعالی در نگارش صفحات مطبوعات در اسر تشکیل حزب را درک میکرد و همراه با تدارک برای تشکیل خود حزب، انتشار ارگان سیاسی آنرا فراهم آورد.

مجله «بیرق عدالت» که از ژوئن سال ۱۹۱۷ آغاز به انتشار کرد، ارگان کمیته حزب سوسیال - دمکرات ایران «عدالت» شد. این مجله تنها ۵ شماره نشر یافت. مجله «بیرق عدالت» پس از قتل اسداله غفارزاده در ماه مه سال ۱۹۱۸ در ایران، به انتشار خود پایان داد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر تأثیر انقلابی عظیمی بر ایران بخشید. بزودی موج نوین جنبش خلقی در کشور اوج گرفت. در سال ۱۹۱۸ در رشت و انزلی به ابتکار سربازان انقلابی روس شوراهای محلی ایجاد شد. در تهران نخستین سندیکاها تشکیل گردید. دولت شوروی در دسامبر سال ۱۹۱۷ بیانیهای در مورد خروج نیروهای نظامی روس از ایران منتشر کرد و از آغاز سال ۱۹۱۸ اجرای آن آغاز شد. اما امپریالیستهای انگلیسی فکر میکردند که خروج نیروهای روسی از ایران برای انجام نقشه‌های اشغالگرانه آنها یعنی وابستگی کامل سراسر ایران و نیز اشغال ماوراء قفقاز، شرایط مساعدی ایجاد کرده است.

مبارزه کارگران و زحمتکشان ایرانی ساکن آذربایجان قفقاز در راه پیروزی انقلاب سوسیالیستی، در شرایط بسیار دشوار، در شرایط نیرومندی ضد انقلاب داخلی و وجود خطر مداخله خارجی جریان داشت. در پایان ژوئیه سال ۱۹۱۸ در نتیجه مداخله و لشکر کشی دولت‌های انگلیس و ترکیه حکومت شوروی در باکو که در آوریل سال ۱۹۱۸ برقرار شده بود، موقتاً سقوط کرد. حزب «عدالت» با وجود دشواریهای فراوان،

۱- میکویان، ع. ی. در راه مبارزه - مسکو، ۱۹۷۱، ص. ۳۱ (زبان روسی).
۲- پرسیس م. آ. انترناسیونالیستهای خاور زمین در روسیه و برخی مسائل جنبش‌های بخش ملی (۱۹۱۸ - ژوئن ۱۹۲۰) - از کتاب: کمیته‌ها و خاور زمین، مسکو، ۱۹۶۹، ص. ۷۴ (زبان روسی).

کار بسیاری در ماوراء قفقاز انجام داد. حزب توانست گارد سرخ با شرکت حدود ۱۰۰ نفر مبارز مسلح ایجاد کند (۱). کارگران ایرانی که در برقراری حاکمیت شوروی در آوریل سال ۱۹۱۸ در آذربایجان شرکت داشتند، فعالانه به مبارزه خلق آذربایجان علیه اشغالگران ترکیه و انگلیسی پیوستند.

تخصیفات شدید مداخله‌گران و حکومتگران مساواتی نتوانست اراده انقلابیون ایرانی را درهم شکنند. طی این سالها یک گروه کامل انقلابیون پرورش یافتند که از لحاظ تئوریک بخوبی آماده شده بودند و تجربه عملی و سازمانی، بهره‌جوئی از اشکال و روشهای گوناگون تبلیغات را بدست آورده بودند.

انقلابیون ایرانی که همراه با بلشویکهای باکو فعالیت مخفی داشتند، مبارزه آزادیبخش علیه حکومت مساوات و ارتجاع ایران را سازمان دادند. عدالتی‌ها که در دو سال گذشته توانسته بودند حزب خود را حفظ و استوار کنند، در مارس سال ۱۹۱۹ دریاکو مخفیانه کنفرانس عمومی تشکیل دادند و در آن کنفرانس کمیته مرکزی جدید حزب انتخاب شد. قطعنامه مصوبه کنفرانس شامل وظایفی بود که برای مدت معینی در برابر حزب قرار داشت. عدالتی‌ها برای انجام این وظایف، از روزنامه سیاسی «حریت» که از ژوئن سال ۱۹۱۹ منتشر شد، بهره‌جوئی کردند.

همانگونه که در پیش گفته شد، حوزه‌ها و گروههای حزب «عدالت» از سال ۱۹۱۷ در بین کارگران ایرانی در ترکستان هم تشکیل شده بود. در بهار سال ۱۹۱۹ در جنب کمیته ناحیه حزب کمونیست ترکستان، بروی کمیونستهای مسلمان ایجاد شد که در کسب آگاهی سیاسی مهاجرین ایرانی کمک فراوانی کرد. در پایان سال ۱۹۱۹ کمیونستهای ایرانی در عشق‌آباد آغاز به انتشار روزنامه «نجات» کردند. کمیته مرکزی حزب «عدالت» در ژانویه سال ۱۹۲۰، از اعضای فعال خود م. علی‌خانف و م. فتح‌الله‌یف را به تاشکند اعزام نمود. آنها باتفاق آ. م. سلطانزاده که از مسکو به تاشکند آمده بود کمیته تشکیلاتی «عدالت» را ایجاد کرده و به کار تبلیغی ترویجی در بین مهاجرین ایرانی پرداختند.

«بیانیه حزب «عدالت» خطاب به زحمتکشان ایران» در روزنامه «اخبار ترکستان» منتشر شد. «بیانیه» سیاست فلاکتبار و خیانتکارانه دولت ایران را که بوشش برای پنهان ساختن اقدامات پلید امپریالیستهای انگلیس بود، افشاء و سیاست فریب دهقانان را محکوم میکرد و آنها را به عضویت در حزب «عدالت» فرامیخواند. در «بیانیه» گفته میشد: «حزب «عدالت» پرچم مبارزه آشتی ناپذیر توده‌های زحمتکش ایران علیه تمام ستمگران را به اهتزاز درمیآورد... انقلاب اکتبر روسیه در برابر ما چشم‌اندازهای فراوانی گشوده است. حزب «عدالت» به کمک کارگران و دهقانان روسی—

این دوستان واقعی طبقات ستمکش ایران، تا آخرین قطره خون خود بادشمنان خلق زحمتکش مبارزه خواهند کرد. رفقا، کارگران و دهقانان ایران زیر پرچم مبارزه انقلابی برای آزادی توده‌های ستمکش و دربند ایران از شر ستمگران خودی و بیگانه گرد آید...

مرگ بر راهزنان خارجی!

زنده باد ایران آزاد!

زنده باد حزب «عدالت»! (۱).

فراخوان کمیته تشکیلاتی «عدالت». پشتیبانی گسترده کارگران ایرانی مقیم ترکستان را بدنبال داشت. در نخستین ماههای سال ۱۹۲۰ بیش از پنجاه سازمان، کمیته و حوزه حزب «عدالت» در اراضی ترکستان تشکیل شد (۲). ۲۰ مارس سال ۱۹۲۰ در تاشکند نخستین کنفرانس ناحیه‌ای حزب «عدالت» با شرکت نمایندگان ۵۶۳۰ عضو حزب برگزار شد (۳). کنفرانس بر اساس اصول تشکیلاتی و ایدئولوژیکی حزب کمونیست روسیه (بلشویکها)، حوزه‌ها و گروههای کمونیستی ایرانی را در حزب «عدالت» در ترکستان تلفیق کرد (۴) و روزنامه «بیرق عدالت» را در اواخر مارس سال ۱۹۲۰ در عشق‌آباد منتشر می‌شد به ارکان سازمان ترکستان تبدیل نمود.

بدین ترتیب در آغاز سال ۱۹۲۰، حزب «عدالت» ضمن تقویت و افزایش صفوف خود، به کمک ارگانهای مطبوعاتی به رشد سازمانی و ایدئولوژیکی بزرگی دست یافت. نقش چشمگیر در این رابطه به تأثیر ایدئولوژیکی حزب کمونیست روسیه (بلشویکها) که عدالتی‌ها ارتباط نزدیکی با سازمانهای محلی آنها داشتند، تعلق داشت.

در همان حال به نسبت تدارک برای برقراری حاکمیت شوروی در ماوراء قفقاز و ترکستان بدلیل ناهمگونی ملی، در عرصه ساختمان حزبی دشواریهای معینی برور میکرد. مثلاً در باکو سازمانهای حزبی «حزب کمونیست روسیه» (بلشویکها)، «همت» و «عدالت» در بین زحمتکشان ملیت گوناگون فعالیت میکردند. این وضع در ترکستان هم وجود داشت.

وجود سازمانهای حزبی ویژه ملیتهای مستقل خطر انشعاب در صفوف حزب و جدائی سازمانهای حزبی محلی از حزب کمونیست روسیه (بلشویکها) را در بر داشت.

۱ - روزنامه «ایزوستیا»، («اخبار»)، تاشکند، آوریل سال ۱۹۲۰، شماره

۴۷، (بزیان روسی)، - (از این پس: ایزوستیا...).

۲ - پلاستون و. ن. شرکت زحمتکشان ایرانی در جنگ داخلی در روسیه، - مجله «نارود آسیا - آفریقا» («خلقهای آسیا و آفریقا»)، ۱۹۷۲، شماره

۲، ص. ۵۹، (بزیانی روسی) - (از این پس: خلقهای آسیا و آفریقا...).

۳ - همانجا.

۴ - ماتویف آ. م. مهاجرین خارجی در حزب کمونیست ترکستان، آثار علمی

دانشگاه تاشکند، ۱۹۶۴، ص. ۳۹، (بزیان روسی).

سازمانهای کمونیستی ماوراء قفقاز و ترکستان با وفاداری به این رهنمود لنین که برای تمرکز کار حزبی علاوه بر وحدت در مسائل برنامه و تاکتیک، وحدت تشکیلاتی هم لازم است (۱). به دفاع از اصول مارکسیستی - لنینیستی ساختمان حزبی و شورائی برخاستند. مثلا در فوریه سال ۱۹۲۰ در کنگره سازمانهای کمونیستی آذربایجان، سازمانهای محلی حزب کمونیست روسیه (بلشویکها)، «همت» و «عدالت» در حزب کمونیست آذربایجان متحد شدند (۲). در همین زمان، کمیته ناحیه ترکستان حزب کمونیست روسیه (بلشویکها)، اتحاد سازمانهای کمونیستهای مسلمانان و کمونیستهای خارجی را در تشکیلات ناحیه ای ح. ک. ر. (بلشویکها) اعلام داشت (۳). «عدالت» در رابطه با این تصمیم، سازمانهای خود در ماوراء قفقاز، ترکستان را منحل اعلام کرد. همه اعضای «عدالت» که در نواحی فوق الذکر بسر میبردند موظف بودند به سازمانهای کمونیستی محلی وارد شوند.

روزنامه «حریت» در چند شماره ضمن اعلام خبر انحلال این سازمانها به خوانندگان خود، در مقاله جداگانه ای بنام «مسائل حزبی» علت و هدف تصمیم اتخاذ شده و شیوه های اجرای آنرا به تفصیل شرح داده و همزمان به اتهامات توطئه گرانی که شایعه انحلال حزب «عدالت» را بخش کرده بودند، پاسخ میدهد.

روزنامه نوشت: «... «عدالت» - حزب کمونیست - تازمانی که حتی يك عضو آن زنده باشد، وجود خواهد داشت! (۴).

در همین هنگام، زیر تأثیر مستقیم پیروزی انقلاب سوسیالیستی در آذربایجان در آوریل سال ۱۹۲۰، موج نوین جنبش آزادی بخش - ملی در ایران اوج گرفت. شرایط مساعد کار علنی حزب «عدالت» در خود کشور فراهم شد. سازمانهای اولیه «عدالت» که سراسر این سالها را در شرایط مخفی فعالیت میکردند، به کار علنی روی آوردند. در ماه مه - ژوئن سال ۱۹۲۰ بسیاری انقلابیون ایرانی، رهبران حزبی و گروههای بسیار کارگران بازگشت به میهن را آغاز کردند. در این پیوند و همچنین به دلیل انحلال تشکیلات «عدالت» در خارج از ایران، ارگانهای حزبی به انتشار خود پایان دادند. در ماه مه سال ۱۹۲۰، ناوگان سرخ خزر که نیروهای گارد سفید و انگلیسهای

۱ « و. ای. لنین کلمات آثار، جلد ۸، ص. ۲۷۵ - ۲۷۴.

۲ - تاریخ حزب کمونیست آذربایجان، بخش اول - باکو، ۱۹۵۸، ص. ۲۷۴. (بزبان آذربایجانی).

۳ - آرشیو تاریخ حزب شعبه ترکمنستان، انستیتوی مارکسیست - لنینیست واقع در جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، گنجینه ۴، سیاهه ۱، پرونده ۲۳، ورقها ۵۴ - ۵۶.

۴ - روزنامه «حریت»، ۱۲ مه ۱۹۲۰، شماره (۷)، (از این پس: حریت...).

را که از باکو به انزلی گریخته بودند تعقیب میکرد و میکوشید اسوال دولت شوروی را که از سوی نیروهای گارد سفید غارت شده بود به شوروی باز گرداند. بندر انزلی را اشغال کرد. انگلیسیها مجبور بودند از انزلی و سپس از گیلان بگریزند. طرفداران کوچک خان رهبر جنبش آزادیبخش - ملی گیلان از جنگلیا خارج شده رشت و انزلی را تصرف کردند. بزودی در گیلان حکومت جمهوری اعلام شد.

در نخستین کنگره حزب «عدالت» که در ۲۲ ژوئن سال ۱۹۲۰ برگزار شد، تصمیم گرفته شد نام حزب به حزب کمونیست تغییر داده شود. کنگره اول حزب کمونیست ایران «عدالت» از اهمیت فراوانی در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران برخوردار است. تشکیل حزب کمونیست ایران در این کنگره به مفهوم گذر به مرحله کیفیتا نوین مبارزه متشکل طبقه کارگر و دهقانان در ایران بود. حزب کمونیست ایران رسالت تاریخی رهائی مردم ایران از تسلط امپریالیسم و فئودالیسم را به عهده خود گرفت.

نمایندگان سازمانهای حزبی تبریز، مرنه، اردبیل، تهران، قزوین، رشت، سلماس، آستارا، خلخال، زنجان، مازندران، مشهد و نیز سازمانهای حزبی ترکستان، داغستان، کرجستان، باکو و گنجه، در کنگره شرکت داشتند. بیشتر نمایندگان را کارگران دارای ۱۵ - ۱۰ سال سابقه مبارزه انقلابی تشکیل میدادند (۱).

در کنگره تصریح شد که وظیفه حزب عبارتست از مبارزه با سرمایه‌داری جهانی به همراهی روسیه شوروی و پشتیبانی از همه کسانی که در ایران بر علیه امپریالیسم انگلیس و حکومت شاه پیکار میکنند. کشاندن توده‌های کارگران و دهقانان به مبارزه فعال و خنثی کردن عناصری که از مبارزه انقلابی می‌هراسند و سودی در خروج انگلیسی-ها از ایران نداشتند، وظیفه‌ای بود که در برابر حزب قرار داشت. کنگره تاکید کرد که حزب باید نفوذ خود را در بین مردم زحمتکش گسترش دهد تا در لحظه ضرور در راه حاکمیت و زمین در راس توده‌های کارگران و دهقانان قرار گیرد. حزب کمونیست ایران، پیکار در راه رهائی کشور از چنگ امپریالیستها و نابودی بنیان سلطنت و فئودالیسم در ایران را وظیفه مقدس خود میدانست.

تشکیل بلادرنگ دولت موقت انقلابی از نمایندگان احزاب انقلابی و انجمنهای محلی، فراخوان مجلس نویستی بر اساس انتخابات، مبارزه در راه ایجاد جمهوری مستقل و خلقی، برپائی ارتش خلقی برای دوران پس از سرنگونی سلطنت در نظر گرفته شده بود. در کنگره مسئله مطبوعات حزبی هم مورد بررسی قرار گرفت (۲).

۱ - آرشيو تاريخ حزب شعبه آذربايجان گنجینه ۲۷۶، سیاهه ۲، پرونده ۰۸، ورق ۱۷.

۲ - همانجا، ورق ۱۸.

بزودی پس از گنگره حزب انتشار ارکان کمیته مرکزی - روزنامه «کمونیست ایران» و دیگر جراید کمونیستی را آغاز کرد.

علاوه بر نشریاتی که در خود ایران چاپ میشد، حزب کمونیست ایران در سال ۱۹۲۰ در تقلیس روزنامه «عدالت» را برای کارگران و زحمتکشان ایرانی ساکن گرجستان منتشر میکرد.

در پایان سال ۱۹۲۱ جنبش آزادیبخش - ملی گیلان سرکوب شد و در نتیجه آن کمونیستها از امکان فعالیت علنی محروم شدند.

پس از رویدادهای گیلان، در کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران تلاشهای تهری بخشی برای ارزیابی فعالیت حزب در طول این مدت، آشکار و برطرف ساختن اشتباهات، و نیز تحلیل موقعیت سوسیال-دمکراسی ایران و اتخاذ تاکتیک مناسب انجام گرفت. پیش از هر چیز باید گفت که دهقانان ایران در مبارزه علیه ستمگران خارجی شرکت داشتند، لکن می‌توسیدند علیه مالکیت فئودالی دست بلند کنند.

از پرولتاریای ایران هم تنها تعداد زیاد مهاجرین ایرانی در جمهوری شوروی ملاک قرار میگرفت. باید توجه کرد همه مهاجرینی که در روسیه کار میکردند به محیط انقلابی پرولتری وارد نمیشدند. بخشی از کارگران مهاجر ایرانی که زیر تاثیر روحیات پرولتاریای پیشرو روسیه قرار داشتند پس از بازگشت به میهن، شیوه اندیشه و کرداری را که در آن شرایط آموخته بودند از دست داده و دوباره به دهقانان بی نصیب یا پیشه‌وران نیمه گرسنه تبدیل میشدند. و ای. لنین اشاره میکرد که بخش بزرگ جمعیت ایران را دهقانان مورد بهره‌کش قرون وسطایی تشکیل میدهند و در صنایع کشور، نه پرولتاریا بلکه تنها پیشه‌وران کوچک هستند (۱). عدم آگاهی طبقاتی پرولتاریای ایران، غیر فعال بودن و بی تجربگی سیاسی دهقانان در برابر کمونیست‌های ایران دشواریهای فراوان ایجاد میکرد.

و ای. لنین چندین بار هنگام اشاره به شرایط آموخته کشورهای مستعمره خاور زمین، در مورد مسئله پیچیده چگونگی «سازگار کردن» حزب کمونیست با حل وظایف ویژه رهائی زحمتکشان از هرگونه بهره‌کشی، با سطح این کشورها که آزمون‌دستیابی به استقلال ملی برای آنها مسئله عمده بود، پیشنهاد میکرد: «باید اندیشید و پاسخهای

مشخص را جستجو کرد» (۱). برای انجام وظایفی که در برابر حزب کمونیست ایران قرار داشت در وحله نخست باید در بین زحمتکشان بویژه در بین دهقانان که بخش عمده اصلی جمعیت را تشکیل میدادند و از سواد سیاسی محروم بودند، کار فرهنگی و تبلیغی بزرگی میشد.

فعال بودن مردم محلی در انجام انقلاب آزادی بخش - ملی بویژه پس از انتقاد از مواضع برخی کمونیستهای ایرانی که به شرکت مستقیم پرولتاریای باکو در انقلاب امیدوار بودند، اهمیت فراوانی داشت.

در حالیکه در مجله «آزادی ایران» ارگان حزب کمونیست ایران تأکید شده بود: انقلاب در ایران باید بدست خود زحمتکشان ایران انجام گیرد» (۲).

در سال ۱۹۲۰ تعداد کمونیستهای ایران بطور چشمگیری کاهش یافت. بسیاری از آنها در سال ۱۹۲۱ در گیلان به شهادت رسیدند. علاوه بر آن، کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در سال ۱۹۲۱ تصمیم گرفت سازمانهای حزبی را از افراد منزول، فرست طلب و توطئه گر پاک سازد.

۲۵ ژانویه سال ۱۹۲۲ در باکو جلسه عمومی برگزار شد که نمایندگان اولین، دومین و سومین کمیته مرکزی (۲)، نمایندگان کمیته‌ترن و بوروی قفقاز در آن شرکت داشتند. جلسه تصمیم گرفت کمیته‌های موجود در حزب را در یک کمیته مرکزی که باید در توران مستقر باشد، متحد کند و در ماه‌های ژانویه و فوریه سال ۱۹۲۲ پلنوم حزب را برگزار کند و ... بنا به تصمیم همین جلسه، بوروی خارجی حزب تشکیل شد که روشنگری سیاسی در میان زحمتکشان ایران مقیم خارج و گرد آوردن آنها بلور حزب از

۱ - و. ای. لنین، کلیات آثار، جلد ۴۱، ص. ۲۴۳، ۴۵۷.

۲ - مجله «آزادی ایران» ۱۶ اوت ۱۹۲۲، شماره ۱، ص. ۴.
(از این پس: آزادی ایران...)

۳ - در اولین کنفره خلقهای خاور زمین (سپتامبر سال ۱۹۲۰ - باکو) سیاست چپ‌روانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران که نفوذ حزب را بشدت کاهش داد، مورد انتقاد قرار گرفت و تصمیم گرفته شد کمیته مرکزی ح. ک. ا. مجدداً برگزیده شود. کمیته مرکزی پیشین از پذیرفتن انحلال خود امتناع کرد. در نتیجه از این تاریخ در ایران دو کمیته مرکزی در یک حزب کمونیست فعالیت میکردند. سومین کمیته مرکزی ح. ک. ا. در کنفره دوم حزب که در اوت سال ۱۹۲۱ در باکو فراخوانده شده بود، برگزیده شد. کمیته مرکزی اول و دوم حزب کمونیست ایران به مخالفت با کمیته مرکزی سوم که از سوی کمیته‌ترن هم رسماً پذیرفته نشد، برخاستند.

نخستین وظایف آن شمار میرفت (۱). بوروی خارجی حزب کمونیست ایران در سال ۱۹۲۲ در باکو مجله «آزادی ایران» را منتشر کرد. انشمار ارگانهای مطبوعاتی حزب کمونیست ایران در ترکستان که ایرانیان هوادار حزب در آنجا بسر میبردند، دشوار تر بود. اوایل که سازمانهای کمونیستی ایران در سازمانهای ناحیه‌ای و محلی حزب کمونیست روسیه (بلشویکیها) بعنوان شعبه ایران وارد شده بود، توجه عمده به رشد کمی آنها معطوف میشد و جنبه مهم یعنی ترکیب کیفی آنها از نظر افتاده بود. بسیاری از کمونیستهای ایران پیسواد بودند، آشنائی کمی با اساسنامه و برنامه حزب کمونیست ایران داشتند و انضباط حزبی را بخوبی رعایت نمیکردند. روحیات خرده بورژوازی و مالکیت شخصی در بین شش - هفت هزار عضو حزب کمونیست در ترکستان نسبتاً شدید بود (۲).

پس از انحلال تشکیلات «عدالت» سوءتفاهم‌هایی در رابطه با بی تمایلی کمونیستهای ایران به وارد شدن در حزب کمونیست ترکستان وجود داشت. زیرا فعالیت در حوزه‌های حزب مذکور عمدتاً به زبان روسی بود و این مسئله درک محتوای نطق‌ها و سخنرانی‌ها را دشوار میکرد.

عقب ماندگی تشکیلات و تشویک سازمانهای کمونیستی ایران همچنین بدلیل کمبود کادرهای رهبری در اینجا بود.

دومین کنفرانس منطقه‌ای کمونیستهای ایران در سال ۱۹۲۱ در تاشکند برگزار شد که در آن نمایندگان نواحی سمرقند، فرغانه، ماوراء خزر حضور داشتند. آقای عضو بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکستان ریاست کنفرانس را به عهده داشت. در کنفرانس پیرامون حوادث موجود، کار بوروی مرکزی شعبه ایران و موقعیت سازمانهای محلی بحث و گفتگو شد. کمبود شدید کادر حزبی آشکار و بر ضرورت بنساز کار سازمانی، تبلیغ شغاهی و مطبوعاتی تاکید شد. کنفرانس در باره انتقال نشریات تبلیغی لازم از باکو و نیز تهیه حروف چاپی به زبان فارسی تصمیم‌هایی گرفت، همچنین قراری درباره بنساز کار تربیت سیاسی قریب ۶۰ هزار زحمتکش

۱ - آرشیو تاریخ حزب شعبه آذربایجان، انستیتوی مارکسیست - لنینیست
واقع در جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، گنجینه ۱۱،
سیاهه ۱، پرونده ۸۴، ورق ۱۴.

۲ - «ایرانشناس»، تاشکند، ۲۲ ژوئن، سال ۱۹۲۰.

ایرانی ساکن ترکستان صادر شد (۱). ی. س. سولگوف در کتاب «کمونیستهای خارجی در ترکستان» ضمن توصیف فعالیت کمونیستهای ایران، مینویسد: «سازمان حزبی ایران برای تقویت تربیت سیاسی زحمتکشان ایرانی از ابزار نیرومند تبلیغاتی یعنی از مطبوعات بهره‌جویی میکرد. صادق‌اف عضو بورو در ژوئن سال ۱۹۲۱ به منظور تهیه حروف چاپی و مطبوعات بد باکو اعزام شد» (۲). رهبری شعبه ایران جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکمنستان تنها در اواسط سال ۱۹۲۵ توانست روزنامه خود بنام «حامبال» را منتشر کند. سازمانهای کمونیستی ماوراء قفقاز، جمهوریهای آسیای میانه به ناپودی پیسودی در بین ایرانیان، افزایش آگاهی سیاسی، بهسازی شرایط زندگی و کشاندن آنها به زندگی اجتماعی، توجه فراوان داشتند.

تصادفی نبود که بسیاری از ایرانیان تابعیت شوروی را می‌پذیرفتند، در مؤسسات شوروی کار میکردند و برخی از آنها پست‌های پر مسئولیتی اشغال میکردند.

اواسط سالهای ۲۰، دگرگونیهای جدی در زندگی سیاسی ایران روی داد. در سال ۱۹۲۵ رضا خان قدرت را غصب کرده و بلافاصله به هجوم علیه کمونیستها دست زد.

رهبری حزب که در ایران در شرایط نیمه علنی بود، بشواری نمیتوانست با سازمانهای محلی حزب رابطه برقرار کند. رابطه با کمونیستهای کدر خارج از کشور فعالیت میکردند از این هم دشوارتر بود. رویدادهای بسیار پیچیده در تاریخ حزب کمونیست ایران بوقوع پیوست.

سالهای ۲۵ - ۱۹۱۷ بویژه جای مهمی را هم در سراسر تاریخ کشور و هم در تاریخ جنبش کارگری ایران اشغال میکنند. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که ضربه خردکننده‌ای بر سیستم مستعمراتی وارد کرد، راه رهایی خلقهای خاور زمین، از جمله ایران را نشان داد و رشد جنبش آزادی بخش زحمتکشان ایران را تعیین کرد: مبارزه در راه حاکمیت کارگران، دهقانان، روشنفکران و دیگر لایه‌های طبقات زحمتکش، در راه رهایی ایران از بند بهره‌کشان خارجی، تشکیل اولین سازمان سیاسی کارگران ایران - حزب «عدالت» در سال ۱۹۱۷، سرآغاز مرحله نوینی در جنبش کارگری و آزادی بخش ایران بود.

شرکت فعال کارگران در جنبش آزادی بخش - ملی سالهای ۲۱ - ۱۹۱۸ حاکی از آن بود که طبقه کارگر ایران میتواند زیر رهبری حزب خود، پیشاپیش صفوف جنبش

۱ - آرشیو تاریخ حزب شعبه ترکمنستان ... گنجینه ۳۲، سیاهه ۱، پرونده ۱، ورقه‌ها ۲۰ - ۲۸.

۲ - سولگوف، ی. س. کمونیستهای خارجی در ترکستان، - تاشکند، ۱۹۶۱، ص. ۱۹۶، (بزرگانی روسی).

آزادبخش توده‌های گسترده خلقهای کشور کام بردارد و بالاخره، حزب کمونیست ایران که در زندگی سیاسی و اجتماعی زحمتکشان ایران نقش چشمگیری داشت و مبارزه ضد امپریالیستی و ضد فئودالی را در ایران رهبری کرد، در این دوران تشکیل شد. در این امر نقش فراوانی به مطبوعات حزبی تعلق دارد.

۲ - مطبوعات نخستین حزب کارگر ایران «عدالت»

فعالیت انتشاراتی حزب کارگری سوسیال - دمکرات ایران «عدالت» همزمان با تشکیل خود حزب آغاز میشود.

اسداله غفارزاده، ب. آقایف، م. آقایف، ع. یوسفزاده و دیگر بنیانگذاران حزب «عدالت»، ضمن گردآوری کارگران مترقی ایران در حزب «عدالت» پی برده بودند که تربیت سیاسی زحمتکشان و آماده کردن آنها برای مبارزه آزادی بخش - ملی، بدون یک تشریح منظم ناشدنی است.

و. ای. لنین در سال ۱۹۰۵ تأکید کرد که در دوران انقلاب «رهبری کردن از راه بحثهای شفاهی، دیدارهای شخصی - فوق تخیلی است. باید کتاب رهبری کرد. باید همه انواع دیگر کار را کاملا و بدون شرط به تبعیت از این شکل کار درآورد». «باید با مطبوعات سیاسی رهبری کرد» (۱).

از این رو حزب «عدالت» که در ماه مه سال ۱۹۱۷ تأسیس شده بود، ۱۰ ژوئن همان سال اولین شماره مجله «بیرق عدالت» را که ارکان کمیته حزبی محسوب میشد، منتشر کرد. «بیرق عدالت»، هفته نامه سیاسی - اقتصادی و اجتماعی - ادبی بود که در ۸ صفحه به ابعاد ۱۶، ۲۵ سانتیمتر نشر مییافت. دفتر مجله در قصبه کارگری باکو - صابونچی - واقع بود. مجله به ایران رسیده و مخفیانه پخش میشد. هفته نامه «بیرق عدالت» از ژوئن تا سپتامبر سال ۱۹۱۷ جمعا ۵ شماره منتشر شد. در آثار، رهنمای گوناگون از تعداد شماره‌های نشر یافته وجود دارد. م. ج. پیشه‌وری (جوادزاده) در خاطرات خود مینویسد: «این مجله ۴ یا ۶ شماره منتشر شده». در «مطبوعات ادواری در آذربایجان ۱۹۲۰ - ۱۸۲۲» اشاره میشود که مجله ۵ شماره منتشر شد. ت. ا. ابراهیم‌اف (شاهین) تأیید میکند که از ژوئن سال ۱۹۱۷ تا ماه مه سال ۱۹۱۸ یعنی تا قتل سر دبیر مجله اسداله غفارزاده - ۶ شماره مجله از چاپ درآمده بود.

اما تنها ۵ شماره مجله موجود است. در نوشته‌های م. ج. پیشه‌وری (جوادرزاده) و ت. ا. ابراهیم‌اف اطلاعاتی از شماره ششم مجله «بیرق عدالت» نیست.

مقالات «بیرق عدالت» به زبان آذربایجانی و فارسی چاپ می‌شد. این تصادفی نبود. تقریباً همه کارگران ایرانی شاغل در ماوراء قفقاز و ترکستان از اهالی آذربایجان جنوب بودند. علاوه بر این، مجله در نواحی شمالی ایران که زبان مادری اهالی آنجا آذربایجانی است گسترده پخش می‌شد. چاپ مقالات به دوزبان، که از سوی مجله «بیرق عدالت» آغاز شد، بعدها تجربه دیگر نشریات حزب «عدالت» و همه ارگانهای مطبوعاتی حزب کمونیست ایران در ماوراء قفقاز و آسیای میانه، قرار گرفت.

«بیرق عدالت» در شماره نخست خود به خوانندگان اعلام کرد: «مقالات و اشعار را که به دفتر مجله ارسال می‌کنند باید کاملاً به زبان ساده نوشته شود» (۱). مجله در مقاله «اعتقادات ما»، که در شماره اول به چاپ رسید، خط مشی سیاسی خود را چنین بیان می‌کند: «حزب «عدالت» یک حزب سوسیال-دموکرات است و در مجله برنامه فرقه «عدالت» را منتشر خواهد کرد. مجله درباره اصلاحاتی که در روسیه آزاد انجام می‌گیرد، سخن خواهد گفت. دفاع از حقوق کارگران و دهقانان - وظیفه مقدس مجله ماست. «بیرق عدالت» همچنین از حقوق ستمکش‌ترین بخش ملت یعنی زنان دفاع خواهد کرد و علیه محدودیت حقوق اقلیتهای ملی در ایران مبارزه خواهد کرد» (۲).

گردآوری کارگران و زحمتکشان ایران زیر پرچم واحد انقلابی یکی از وظایف عمده‌ای بود که در برابر حزب «عدالت» قرار داشت. «بیرق عدالت» خط مشی حزب را در پیش گرفته و در شماره اول خود «پیام بنه کلیه زحمتکشان و کارگران ایران» را منتشر کرد. در این پیام آمده بود که جامعه ایران مانند همه کشورهای جهان به دو طبقه استثمارگران و استثمارشوندگان تقسیم شده است.

مجله ضمن افشاء سیاست چند صد ساله استبداد پادشاهی و توصیف زندگی دشوار کارگران و دهقانان، راه برون رفت از این وضع را وحدت همه زحمتکشان میدید و آنها را فرامیخواند که در مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه و تشکیل جمهوری دموکراتیک، به گرد حزب پرولتری ایران متحد شوند.

اندیشه اتحاد در مبارزه علیه دشمن، به اشکال گوناگون در دیگر نوشته‌های مجله بازتاب داشت در مقاله‌های «سردار رشید و برادران او» (۲۱ ژوئن، ۱۹۱۷، شماره ۲)، «ایران میسوزد» (۳۱ ژوئیه، ۱۹۱۷، شماره ۴)، «نظری به آذربایجان» (سپتامبر ۱۹۱۷ - شماره ۵). آشکارا به پیوند نمایندگان حکومت و خاندانهای منفرد

۱ - مجله «بیرق عدالت». ۱۰ ژوئن ۱۹۱۷، شماره ۱. (از این پس: بیرق عدالت...).

۲ - همانجا.

Персонал. соц. демокр. раб. партія „Адалетъ“

بیرق عدالت

Еженедельный Журнал
«Вайранъ Адалетъ»
(знамя справедливости)

برائی سہ ماہی

بیرق عدالت
شماره اول
مجله

بیرق عدالت
شماره اول
مجله

<p>تبادل آبیسی</p> <p>دکتر آجیوی برائی سہ ماہی</p> <p>برائی سہ ماہی ۲۰ تک</p> <p>آخری سہ ماہی ۵۰ تک</p> <p>برائی سہ ماہی</p> <p>برائی سہ ماہی ۲۰ تک</p> <p>آخری سہ ماہی ۳۰ تک</p>	<p>آرٹیکل آبیسی</p> <p>پاکستان و روس</p> <p>آبیسی ۵ تک</p> <p>ایران و خارجیہ</p> <p>آبیسی ۱۲ تک</p> <p>آخری آبیسی ۷ تک</p>
---	--

Цѣна 20 коп. (۲۰ آریانیہ تک اشخاص و شاگرد)

Органъ Банкинъ Комитета П. С. Д. Р. П. „Адалетъ“

ایرانک عدالت فرقیسک بیوج اشکاری سیاسی اقتصادی اجناس ادبی
ہتک لکھ مجرورہ

مجلہ ادارہ	بول و فارس پتھر
مطابق آجیوی	شاہ فیروز پتھر
مطابق آجیوی ۲۰ تک	قلمدان پتھر و کتبت اور پتھر
مطابق آجیوی ۳۰ تک	جلی اولیوی و اولیوی پتھر
	مطابق آجیوی ۱۲ تک

Адресъ редактора: Комитетъ П. С. Д. Р. П. Баку Савуван
ул. Миллеръ, 10 П.
Съреда Адалетъ-ага

در درگیری براد، کشی که سراسر کشور را فرا گرفته بود و بد غارت بی‌بندوبار دهقانان اشاره می‌شد.

«بیرق عدالت» با توضیحات روشن و هنرمندانه خود، جشنها و مهمانیهای مفصلی را که از طرف اشراف از سران دولت اشغالگران خارجی ترتیب داده می‌شد، افشا می‌کرد و در همان زمان هزاران ایرانی که هر روزه در نتیجه مالیات سنگین بد افراد تبه‌باز تبدیل می‌شدند شرح می‌داد.

مجله اهمیت فراوان وحدت نیروهای راکه علیه سیاست واقعی رژیم ایران پی‌کار می‌کردند درک کرده، همه احزاب سیاسی ضد سلطنت را با وجود اختلاف در برنامه‌های آنها به اتحاد برپایه اساسنامه واحد دعوت می‌کرد.

مقاله ل. مجیدزاده بنام «اختلافات ایرانیان در باره حزب» که در شماره ۵ - اول سپتامبر سال ۱۹۱۷ درج شد، سیاست ارتجاعی حزب، «اعتدالیون» راکه در سالیان انقلاب ایران (از سال ۱۹۰۹) فعالیت داشت، افشاء می‌کرد.

در مقاله اشاره می‌شد که اکنون، حزب دمکرات ایران با پذیرفتن اعضای سابق حزب «اعتدالیون» یعنی نمایندگان دربار و آریستوکراتی ایران، - بمغوف خود، بزودی به دفاع از منافع طبقه حاکم دست خواهد زد. اما، ل. مجیدزاده خواننده‌گان مجله را با فعالیت حزب دمکرات ایران که در بین مردم از شهرت معینی برخوردار بود، آشنا نمی‌کند و در باره روابط حزب دمکرات ایران و حزب «عدالت» سخنی بمیان نمی‌آورد. مشهور است که ارتباطهای حزب «عدالت» با نیروهای سیاسی متروقی ایران و نیز با گروههای دمکرات فعال در روسیه، در دوره انتشار «بیرق عدالت» بسیار ضعیف بود. علاوه براین، کار مشترک عدالتی‌ها با دمکراتی‌ها به دلیل اختلافی بر سر برنامه، صورت نگرفت.

پیش‌گویی «بیرق عدالت» به حقیقت پیوست و حزب دمکرات تشکیلی «سازمان خود را به ابزاری در دست طبقه حاکمه ایران و امپریالیستهای انگلیسی تبدیل کرد. مجله میکوشید حزب «عدالت» را بدین سازمان توده‌ای تبدیل کند، و نمیتوانست در نظر نگیرد که بخش اعظم جمعیت کشور را دهقانان تشکیل می‌دهند. مجله به روند آگاهی دهقانان ایران به حقوق خود توجه فراوان داشت و از همان نخستین شماره به درج یک سلسله مقاله‌هایی بنام «زمین و حقوق» پرداخت. اولین مقاله از این سری «مسئله زمین و حقوق در روسیه» نام داشت. مجله ضمن آشنا کردن خوانندگان خودبا وضع دهقانان روس اشاره می‌کرد که لغو حقوق سرواژ در روسیه به دهقانان زمین و حقوقشان را نداد «بیرق عدالت» تاکید می‌کرد: «انتظار بخشش از تزار ووزرای او ساده‌لوحانه و غیر معقولانه بود، چراکه آنها خود زمینداران بزرگی بودند. آنجا که

سلطنت هست دهقانان خواه روس و خواه ایرانی، همیشه از زمین و حقوق خویش محرومند (۱).

مجله در مقاله دوم این اندیشه را ادامه داده و زندگی دهقانان ایران را که از صبح تا شب کار میکردند اما نمیتوانستند برای خود زندگی سیری تأمین کنند، مفصلاً توصیف میکند.

باید متذکر شد که «بیرق عدالت» یکی از دلایل عقب ماندگی و فرمانبرداری دهقانان ایران را در مذهب میدید شیوه‌ای که نویسنده مقاله برای تأیید اندیشه خود استفاده میکند جالب است (این سلسله مقاله‌ها و بسیاری مقاله‌های دیگر مجله را اسداله غفارزاده مینوشت). مجله با نقل آیه‌ای از قرآن که میگوید محصول زمین از آن کسی که روی آن کار میکند، این سؤال را پیش میکشید: چگونه است که در کشوری اسلامی مانند ایران زمین به همراه افرادی که روی آن زندگی میکنند، به مالک تعلق دارد که فقط از محصول کار دیگری استفاده میکند (۲).

«بیرق عدالت» به زبان ساده و صریح توضیح میدهد که جامعه ایران به طبقات تقسیم شده و بهره‌کشی در جامعه طبقاتی يك قانونمندی است. در چنین جامعه‌ای روحانیت به منافع طبقه حاکم خدمت میکند و او را در غارت و چاول خلق یاری میدهد.

«بیرق عدالت» در مقاله دیگر از این سری درباره نفرت دهقانان از مالکین سخن میگفت و روحیه آشتی ناپذیری ملت را اساس مبارزه سیاسی میدانست اما باید متذکر شد که مجله ضمن توجه فراوان به مسئله دهقانان پیشنهادهای مشخصی درباره کار خوب در روستا ارائه نمیداد.

«بیرق عدالت» جریان جنگ جهانی اول را بطور گسترده شرح داده و متذکر میشود که تنها انقلاب در روسیه به آن پایان میدهد. مجله در نخستین شماره‌های خود پیروزی انقلاب بورژوازی قوریه در روسیه را تبریک میگوید و رهائی خلق ایران را با آن مربوط میدانست.

در «پیام کمیته اجرائی شورای نمایندگان سربازان و غیر نظامیان در تبریز» که در مجله درج شده بود گفته میشود: «آن لحظه مطلوب فرا رسیده است که خلقهای ایران و روسیه سرانجام امکان فشردن دست برادری یکدیگر را بدست آوردند و با پیوند گروههای محکم برادری و عشق در مسیری آزاد، گام به سوی آن هدف نهائی گذاشتند که زحمتکشان سراسر جهان در آن جهت تلاش میکنند (۳).

۱ - بیرق عدالت ۱۰ ژوئن ۱۹۱۷، شماره ۱، ص. ۵.

۲ - بیرق عدالت ۲۱ ژوئن، ۱۹۱۷، شماره ۲، ص. ۴.

۳ - همانجا.

اما همانگونه که پیداست در سیاست خارجی دولت بورژوازی روسیه هیچگونه دگرگونی روی نداد. نیروهای روسیه در ایران باقی مانده و به آزار اهالی محلی میپرداختند. مجله در صفحات خود یک سلسله مطالبی منتشر ساخت که در آنها در باره خشم مردم شهرها و روستاهای ایران که سربازان روس برانگیخته بودند، صحبت میشد. در مقاله «آیا دولت روسیه استقلال ایران را بر سمیت میشناسد». مندرج در شماره چهارم - ۳۱ ژوئیه، سال ۱۹۱۷.

مجله کوشید علل این رویدادها را تجزیه و تحلیل کند. اما «بیروقعدالت» که بدرستی سیاست دولت موقت را در همه موارد محکوم میکرد، مابیت امپریالیستی آنرا اقباض نمیکرد و تنها به خواست خروج نیروهای روسیه از ایران محسود میشد. همچنین باید اشاره کرد که مجله ضمن انتقاد از سیاست دولت موقت، رابطه حزب کارگری سوسیال - دمکرات روسیه را با آن توضیح نمیداد. درحالیکه در روزهای نخست پس از انقلاب فوریه موضع حزب بلشویکها در برابر دولت موقت تعیین شده بود.

مطبوعات بلشویکی از جمله روزنامههای بلشویکهای باکو «کارگر باکو» - «سوسیال - دمکرات»، «همت» مطالبی در اقباض سیاست دولت موقت و مقاله‌هایی درباره تئوری لنینی انقلاب سوسیالیستی و استفاده از جنبش آزادیبخش - ملی در این انقلاب، چاپ میکردند.

حزب «عدالت» که در تماس نزدیک با کمیته حزبی بلشویکهای باکو قرار داشت نه تنها از این نوشته‌ها باخبر بود بلکه همانگونه که انقلابی برجسته ایران م. ج. پیشه‌وری (جوادزاده) در خاطرات خود مینویسد: «کارگران ایران که پی برده بودند رهائی خلق ایران تنها با پیروزی انقلاب پرولتری در روسیه آغاز میشود، مسلح شده و آماده شرکت در انقلاب روسیه بودند (۱)».

بدین ترتیب، حزب «عدالت» که وظیفه کمک به پرولتاریای روسیه را برای انجام انقلاب سوسیالیستی در برابر خود قرار داده بود، نتوانست از ارکان حزبی خود برای تحقق این وظیفه کاملاً بهره برداری کند.

همانگونه که در بالا اشاره شد مجله بطور نامنظم منتشر میشد. علت این امر عبارت بود از مشکلات مادی حزب و همچنین تعداد انقلابیون متخصصی که دارای دانش

۱ - پیشه‌وری (جوادزاده) م. ج. آثار منتخب. - از انتشارات روزنامه «آذربایجان»، ۱۹۶۷، ص. ۱۹۱. (بزبان آذربایجانی). - (از این پس: پیشه‌وری (جوادزاده) م. ج. آثار منتخب ...

ثوریک و تجربه سازماندهی در انتشار مطبوعات حزبی باشند. در صفوف حزب کم بود. پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر اسداله غفارزاده، مدیر «بیرق عدالت»، و صدر کمیته مرکزی حزب، فعالیت پرشوری را برای تشکیل سازمانهای محلی «عدالت» در ایران و تحکیم صفوف حزب به عمل آورد. در ماه مه سال ۱۹۱۸ اسداله غفارزاده به قصد برقراری رابطه بین نمایندگان حکومت شوروی باکو و میرزا کوچک خان رهبر جنبش جنگلی‌ها که تمام گیلان را در دست داشتند و تیز تقویت سازمانهای محلی «عدالت» در این ناحیه، وارد رشت شد. اعضای حزب ارتجاعی «استقلال ایران» و مامورین پلیس از وجود اسداله غفارزاده در رشت آگاه شده و او در همان روز بطوز دمدنشانه‌ای به هلاکت رسید. «بیرق عدالت» پس از قتل اسداله غفارزاده دیگر منتشر نشد.

«بیرق عدالت» علیرغم نواقص پیشگفته و موجودیت کوتاه مدت خود، بعنوان نخستین مجله حزب کارگران ایران در گسترش اندیشه مارکسیسم - لنینیسم در ایران و کرد آوردن زحمتکشان ایران به دور حزب «عدالت» نقش مشخصی ایفاء کرد. مجله در تمام مطالب خود پیگیرانه از منافع توده‌های کارگران و زحمتکشان ایران دفاع میکرد و یگانه ارگان مطبوعاتی بود که بزبان صریح و نزدیک با ملت و در وحله نخست با کارگران سخن میگفت و اخبار حقیقی از رویدادهای کشور را باطلاع آنها میرساند. تصادفی نبود که مجله در بین کارگران از شهرت فراوان برخوردار بود. کارگران تا حد توانائی به مجله کمک مالی میکردند تا مجله سرپا بماند (۱). «تشکراهی» هیئت تحریریه مجله از شخصیتهای منفرد بخاطر کمکهای مالی آنها حاکی از حمایت نمایندگان روشنفکران مترقی ایران از مجله است (۲).

«بیرق عدالت» فعالیت سازمانهای فرهنگی محلی را که با سازمان کارگران ایران رابطه نزدیکی داشت بطور گسترده بازتاب میداد. در اشعار انقلابی و حماسی ن. نوری، ب. حسینی، ح. جاوید و دیگران که در صفحات مجله درج میشد، امیال و آرزوهای مردم زحمتکش ایران بیان میشد. این امر مجله را برای گروه گسترده خوانندگان جالبتر و نزدیکتر میکرد.

«بیرق عدالت» در تشکیل سازمانهای محلی حزبی «عدالت» نقش زیادی داشت. تأیید رسمی این سازمانها از طریق مجله اطلاع داده میشد.

پس از سرنگونی حاکمیت شوروی در باکو در ژوئیه سال ۱۹۱۸ - حکومت مساوات در آنجا یک رژیم ارتجاعی برقرار کرد. مداخله‌گران انگلیسی اواخر سال ۱۹۱۷ کنترل خود را بر سراسر ایران برقرار کردند و در اوت سال ۱۹۱۸ وارد باکو شدند.

۱ - بیرق عدالت، ۱۴ ژوئیه ۱۹۱۷، شماره ۳، ص. ۷.

۲ - بیرق عدالت، ۱ سپتامبر ۱۹۱۷، شماره ۵، ص. ۶.

انقلابیون ایران که همراه با بلشویکهای باکو به کار مخفی روی آورده بودند، برای گرد آوردن زحمتکشان بلور حزب و تحکیم صفوف آن، به کار تبلیغاتی در بین آنها پرداختند.

در قطعنامه‌ای که در کنفرانس عمومی حزب «عدالت» در مارس ۱۹۱۹ تصویب شد، وظایف مشخص حزب در مبارزه علیه امپریالیستهای انگلیسی، ارتجاع ایران و نیز حکومت مساوات در باکو، ذکر شده بود. برای تحقق این وظایف، حزب «عدالت» در حلقه نخست انتشار ارکان مطبوعاتی خود را آغاز کرد. این روزنامه سیاسی بایدتوده‌های گسترده زحمتکشان ایران و کارگران ایرانی خارج از کشور را بلور حزب متحد میکرد. ناشران با نهادن نام «حریت» بر روزنامه خود، در فعالیت همه جانبه آن، مبارزه در راه آزادی و استقلال ملی را بعنوان خط مشی اصلی تعیین کردند.

«حریت» یک روزنامه سیاسی - اقتصادی و اجتماعی - ادبی بود که در ابعاد کوچک، دوبار در هفته و در چاپخانه «نوروز» منتشر میشد. در منابع علمی اشاره میشود که در دوران انتشار «حریت» از ۹ ژوئن سال ۱۹۱۹ تا ۲۴ ماه مه سال ۱۹۲۰ جمعا ۷۲ شماره روزنامه منتشر شد (۱). هنگام بررسی روزنامه معلوم شد که در شماره گذاری آخرین چاپهای «حریت» اشتباه رخ داده است. بطوری که روزنامه ۱۲ و ۲۱ ماه مه سال ۱۹۲۰ دارای یک شماره یعنی ۷۲ و آخرین شماره روزنامه ۲۴ ماه مه دارای شماره ۷۲ هستند، به عبارت دیگر روزنامه ۷۴ شماره منتشر شده است نه ۷۲ شماره. روزنامه تا شماره ۱۸ از سوی هیئت تحریریه و شماره‌های ۲۲-۱۹ زیر نظر یوسف‌زاده منتشر میشد. از شماره ۲۲ م. ج. جوادزاده (پیشروی) - مدیر «حریت» شد. از شماره ۴۸ - اول فوریه سال ۱۹۲۰ - «حریت» بعنوان ارکان کمیته مرکزی حزب «عدالت» نشر یافت.

مؤلفین حزبی ایران و آذربایجان ن. بسمیر، ح. ضیاء، آ. رسولزاده، آ. ح. قارایوف، ر. آخوندوف، م. س. اردوبادی و دیگران مقالات جالبی در صفحات روزنامه درج میکردند. «حریت» در تهران، رشت، انزلی و در دیگر شهرهای ایران خبرنگاران مخصوص خود را دارا بود و در هر شماره مطالبی چاپ میکرد که زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور و وضع زحمتکشان را منعکس میساخت.

مطالب «حریت» بزبانهای آذربایجانی و فارسی چاپ میشد. روزنامه در مقاله برنامه خود نوشت: «حریت» - روزنامه‌ای است که اندیشه‌

۱ - نگاه کنید به: مطبوعات بلشویکی آذربایجان در مبارزه بخاطر پیروزی حاکمیت شوروی - وزیرف. خ. ک. (بزبان آذربایجانی)، باکو (۱۹۶۱)، ص. ۴۹؛ مطبوعات ادواری در آذربایجان، ۱۹۲۰ - ۱۸۳۲ - آخوندوف، ن. باکو ۱۹۶۵، ص. ۷ (بزبان آذربایجانی).

حریت

روزنامہ حریت

پتہ: لاہور، پاکستان

تاریخ: 1970ء

صفحہ: 1

شمارہ: 1

جلد: 1

پرچہ: 1

تعداد: 1

قیمت: 1

مطبوعہ: 1

تعداد: 1

قیمت: 1

مطبوعہ: 1

تعداد: 1

قیمت: 1

مطبوعہ: 1

تعداد: 1

قیمت: 1

مطبوعہ: 1

تعداد: 1

قیمت: 1

مطبوعہ: 1

تعداد: 1

قیمت: 1

مطبوعہ: 1

تعداد: 1

قیمت: 1

مطبوعہ: 1

تعداد: 1

قیمت: 1

مطبوعہ: 1

تعداد: 1

قیمت: 1

مطبوعہ: 1

تعداد: 1

قیمت: 1

مطبوعہ: 1

تعداد: 1

قیمت: 1

مطبوعہ: 1

تعداد: 1

قیمت: 1

مطبوعہ: 1

تعداد: 1

قیمت: 1

مطبوعہ: 1

های حزب «عدالت» ایران را منتشر میکند. «حریت» نشان دادن راه مبارزه کارگران و زحمتکشان و منعکس کردن نیازها و آرزوهای توده‌های زحمتکش را وظیفه خود قرار میدهد. «حریت» علیه نزاعهای بین ملتیی و بین دولتی حرکت میکند و علیه هرگونه جنگی که میلیونها انسان را به نابودی میکشاند و خون آنها را به خاطر اهداف اشغال-کرانه بر زمین میریزد مبارزه میکند...

«حریت» - اولین روزنامه سوسیالیستی است که به دهقانان راه رهائی از استثمار خانها و زمینداران را نشان میدهد و توده‌های زحمتکش ایران را با حقوق خویش آشنا میکند» (۱).

از میان مسائل فراوانی که روزنامه پیش میکشید باید سه موضوع اساسی را جدا کرد: - نشر اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم و برنامه حزب «عدالت» در ایران. - افشاء استبداد داخلی و امپریالیسم خارجی.

- مبارزه در راه برقراری حاکمیت شوروی در آذربایجان.

«حریت» ضمن پیش برد خط مشی اصلی حزب، کار تبلیغی و ترویجی گسترده‌ای انجام میداد و برخورد کارگران و زحمتکشان را به حادثترین رویدادهای سیاسی شکل میداد. روزنامه علل شکست انقلابهای ضد سلطنتی گذشته ایران را تجزیه و تحلیل کرده و به اهمیت مرکز واحد انقلابی اشاره داشت. «حریت» خوانندگان را با زندگی و فعالیت ک. مارکس و و. ای. لنین آشنا میکرد. روزنامه با تبلیغ شیوری مارکسیستی انقلاب در مقاله‌هایی مانند «ایدئولوژی بلشویکی» (۱۹۱۹ - شماره‌های ۱۷ - ۱۲) و «کمونیستها چه کسانی هستند و چه میخواهند» (۱۹۱۹ - شماره ۲۰) و «کار و سرمایه» (۱۹۱۹ شماره ۲۰ - ۱۹) و ... واقعیت فلسفه مارکسیسم. محتوای بعضی آثار بنیانگذاران مارکسیسم - لنینیسم را شرح میداد. روزنامه در چند شماره برنامه حزب «عدالت» را همراه با توضیحات مشروع بزبان فارسی چاپ کرد.

در شماره‌های ۲۷ - ۲۹ روزنامه «حریت» سلسله مقالات بقلم ن. بصیر زیر عنوان «ما چه میخواهیم؟» به چاپ رسید که در آنها سیاست برخی روحیات ناسیونالیستی حزب و عناصر انقلابی بدلیل تقسیم کارگران بر اساس هویت ملی مورد انتقاد شدید قرار گرفت. در این مقاله‌ها اهمیت فراوان اتحاد کارگران بر اساس طبقاتی آنها و ضرورت انقلاب پرولتری اشاره شده و وظایف مشخصی که در برابر حزب قرار داشت تعیین شده است...

بورژوازی ایران و روحانیت که از علاقه روزافزون مردم به حزب کارگری در مراسم بودند تبلیغات وسیعی را براه انداختند.

«حزیت» که نیروی واقعی چنین نمایشی را پیشنهاد می‌کند، سریعا با يك سلسله مقالاتی زیر عنوان «سوسیالیسم و اسلام» به این حملات پاسخ داد. نویسنده این مقاله‌ها، نعمت بحیر نخستین مقاله را اینطور آغاز کرد: مذاهبی وجود دارند که در برخی مسائل به سوسیالیسم بسیار نزدیک‌اند. از بین این مذاهب در حلقه نخست باید اسلام را نام برد و برخورد اسلام را به مسائل زمین و حقوق دهقانان بطور مشروح تحلیل کرد. او مینویسد:

«زمین برای انسان لازم است. همانطور که هوا و آب لازم است. این را نه فقط ما سوسیالیستها، بلکه قرآن مقدس هم تأیید می‌کند. در این صورت آیا عادلانه است در ایران که زمین تقریباً بطور کامل به خانها و بیگها تعلق دارد و کشاورزان و زحمتکشان در فقر زندگی میکنند ... رضایت داد؟».

نویسنده مقاله به مسئله حقوق توده‌های ستمکش میپردازد و توضیح میدهد که علیرغم آزاده خدایان ثروت هنگفتی در دست سرمایه‌داران و زمینداران وجود دارد که به آنها حقوق و قدرت ویژه‌ای میدهد. آنها با بهره برداری از قدرت نامحدود خود می‌کشند از راه استثمار و غارت بازم بیشتر لایه‌های گسترده زحمتکشان بر ثروت خود بیافزایند. نویسنده درخاتمه مقاله میگوید: «اما همه چیز آغاز و پایان دارد. زمان گرفتاری ثروتمندان فرا رسیده است. باید ثروت و سرمایه ثروتمندان که از راه کار ستمکشان اندوخته شده ملی شود و از آنها به نفع صاحبان واقعی این ثروتها بهره‌برداری شود. نباید اجازه داد که سرمایه‌داران مردم را در مقابل یکدیگر قرار دهند و برای ثروتمند شدن زمین را به دریای آتشفشان تبدیل کنند. آنها را باید از تمام حقوق محروم کرد! زیرا زمان مجازات فرا رسیده است. حقوق و قدرت باید در دست زحمتکشان و ستمکشان باشد» (۱).

در مقاله «زحمتکشان مسلمان بخاطر حقوق خود مبارزه میکنند» چنین شرح داده میشود: «اگر از يك مسلمان سؤال شود که اکنون بویزه چه چیزی برای او ضروری است، او جواب خواهد داد: حقوق! امروز هم انقلابیون ترکیه‌ای، عساکران هندی ندر راه خلافت مذهبی، بلکه بخاطر حقوق انسانی که نمیتوان آنها را با کلمات پوچ و فلسفه بافی عوض کرد. مبارزه میکنند ... این حقوق را میتوان فقط از راه انقلاب بدست آورد» (۲).

از بین مطالبی که به مسئله دهقانان اختصاص یافته است، مقاله م. ج. جوادزاده (پشمه‌وری) «پیام به ایرانیان» که در شماره ۱۰ - ۱۹ - ۲۱ نوامبر سال ۱۹۱۹ روزنامه درج شده، بویژه جالب است. نویسنده وضع فلاکت بار دهقانان ایران، فقر و

۱ - حریت، ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۹، شماره ۱۹.

۲ - حریت، ۹ فوریه ۱۹۲۰، شماره ۴۹.

بی قانونی حاکم بر روستاهای ایران را توصیف میکند. به تمرکز زمینها در دست ثروتمندترین مالکین اشاره کرده و سیستم سنگین مالیاتها را که دهقانان را به فقر کامل میکشاند، مفصلا توضیح میدهد. «حریت» علت تبدیل دهقانان ایران را به سرواژ قرون وسطائی در نبودن زمین و وسائل کشاورزی در دست آنها مینماید. در مقاله گفته میشود: «اگر مسئله ارضی در آینده نزدیک حل نشود... اگر مردمی که آرزوی خوشبختی ایران را دارند و برای حل حیاتی ترین و ضروری ترین مسئله یعنی زمین از حرف به اقدامات عملی روی نیآورند. در آنصورت نیمی از مردم ایران به کشورهای خارجی مهاجرت میکنند و نیمی دیگر به تبتستان و گرسنگان تبدیل میشوند» (۱).

۳. ج. جوادزاده ضمن افساء برنامه احزاب دیگر ایران که شعار فروش زمین به قیمت عادلانه به دهقانان را پیش میکشیدند، از این «طرفداران فقرا» میپرسد: دهقانی که واقعا به يك تکه نان محتاج است برای خرید زمین، حیوانات و وسائل کشاورزی از کجا پول بیآورد. «حریت» تاکتیک حزب «عدالت» را در حل این مسئله طرح میکند. حزب «عدالت» خواهان گرفتن زمین از مالک و دادن آن به دهقان است. بدین ترتیب میتوان به ستم و رورگوشی پایان داد... حزب پسران رهائی دهقانان از بند سباشان، واگذاری امور به شوراهای دهقانی را که از سوی خود دهقانان ایجاد شده باشند، ضروری میدانند و دولت باید روستارو از نظر مایشینهای کشاورزی و وسائل کاملاً کشاورزی تامین کند تا کار دهقانان سبکتر شود. همچنین باید کشاورزان را به دانش و علم کشاورزی مجهز کرد» (۲).

روزنامه راه اجرای خواستها را در انجام انقلاب و برقراری حاکمیت شوروی در ایران می‌دید.

بدین ترتیب «حریت» نیز مانند مجله «ببرق عدالت» به مسئله دهقانان توجه فراوانی داشت. اما «حریت» در تفاوت از نخستین ارگان حزب، دهقانان را فرا میخواند تا قاطمانه و متحد علیه ستم زمینداری، در راه آزادی و زمین حرکت کنند تاکتیک حزب «عدالت» را در باره مسئله زمین توضیح میداد و اهمیت تشکیل شوراهای دهقانی را متذکر میشد.

بخش زیادی از «حریت» را مقاله‌هایی تشکیل میدهد که به انتقاد از رژیم سلطنتی و امپریالیسم در ایران اختصاص یافته است. در صفحات «حریت» سیاست خودکامگی رژیم استبدادی افشا میشود. روزنامه علل بیکاری، فقر، بیسوادی، بیماریهای وسیع در کشور را در نظام دولتی موجود ایران میدید. در اوت سال ۱۹۱۹ در ایران قرارداد ایران-انگلیس که ایران را تماماً تابع انگلیس میساخت به امضا رسید. امضای

۱ - حریت، ۱۹ نوامبر ۱۹۱۹، شماره ۲۲.

۲ - حریت، ۲۱ نوامبر ۱۹۱۹، شماره ۲۳.

این قرارداد که برای ایران اسارت آور بود، موج اعتراض تمام سازمانهای سترقی ایران را به همراه آورد. «حریت» در یک سلسله مقالات، از جمله «دوستی» (۱۹۱۹ شماره ۸)، «انگلیس و ایران» (۱۹۱۹ شماره ۲۴)، «سیاست انگلیسی‌ها در ایران» (۱۹۲۰ شماره‌های ۵۱، ۴۹، ۴۲) و ... ماهیت امپریالیستی این قرارداد را شدیداً افشا کرد.

روزنامه ضمن درج «تصویب‌نامه» متخذ در کنفرانس حزب کارگری ایران «عدالت» که ۲۹ اوت سال ۱۹۱۹ در پاکو برگزار شد، صدای اعتراض کارگران ایران را علیه این قرارداد ننکین به گوش همه خوانندگان خود رساند. «حریت» تمام مواد قرارداد را شرح داده و در مقاله «انگلیس و ایران» کوشید سیاست انگلیس در ایران را کاملاً روشن کند. روزنامه انگیزه‌های حقیقی این قرارداد تحمیلی به ایران را در وحله اول در موقعیت جغرافیائی ایران که «دیواری» برای هند - مستعمره ژرمنند و بازرگانی انگلیس و نیز در همسایگی آن یاروسیه شوروی میدید همانطور که روزنامه توضع میدهد، این قرارداد همزمان با وابستگی مستعمراتی ایران، این کشور را به سکوی بداخله علیه شوروی تبدیل میکرد که جهت تحکیم موقعیت استعمارگران انگلیسی در ایران و انجام عملیات نظامی علیه روسیه شوروی میتوانست مورد استفاده قرار گیرد. «حریت» متذکر میشد که قرارداد ایران - انگلیس را نه تنها خلق ایران بلکه نیروهای سترقی سراسر جهان آنرا محکوم میکنند، اختلافات بین کشورهای امپریالیستی مانند فرانسه، ایالات متحده آمریکا و دیگران را که به نفت ایران علاقمندند، تشدید کرده است.

«حریت» با تأکید بر این که انگلیسها داوطلبانه از ایران خارج نمیشوند، نوشت: «تا زمانی که ملت ایران سلاح بدست نگیرد و دشمن استقلال خود یعنی انگلیس را از کشور بیرون نراند، نمیتوان ایران را کشور مستقل نامید. و به همین دلیل ما ملت ایران را به انقلاب فرا میخوانیم». (۱) روزنامه همچنین سیاست اشغالگرانه انگلیس در آذربایجان قفقاز و نقش اصلی فرماندهی در قتل ۲۶ کمیسر پاکو را افشا میکرد. «انگلیسها دوستدار طلای سیا یعنی نفت که مانند رودخانه در آذربایجان جریان دارد، هستند نه شیوائی زبان آذربایجانیها، این هدف اصلی کشانده شدن آنها به قفقاز است. و اگر آنها به این هدف دست یابند در آنصورت آذربایجان در حرف مستقل میماند، مانند استقلال هند، افغانستان و مصر» (۲).

مبارزه در راه برقراری حاکمیت شوروی در آذربایجان یکی از موضوعات اصلی بود که «حریت» پیش میکشید. روزنامه زندگی سیاسی و اجتماعی آذربایجان را

۱ - حریت، ۲۱ اکتبر ۱۹۱۹، شماره ۲۴.

۲ - حریت، ۸ ژوئیه ۱۹۱۹، شماره ۸.

سنگس میگرد و در باره روسیه شوروی مفصلا توضیح میداد. در صفحات آن بخصوص دومین سالگرد انقلابات کبیر سوسیالیستی اکتبر و پنجاهمین سالگرد تولد وی.لنین جشن گرفته شده است. هنگامیکه نیروهای دنیکین در ماه مه ژوئن سال ۱۹۱۹ داغستان را تصرف کردند و ماور اقفقاز را در معرض خطر حمله قرار دادند، «حریت» نقش بزرگی در بسیج کارگران آذربایجانی و ایرانی برای دفاع از آذربایجان ایفا کرد. «حریت» در مقاله‌های «تحت خطر» (سال ۱۹۱۹ شماره ۱۲) - «در باره دنیکین» (سال ۱۹۱۹ شماره ۲۸) - «در باره مسئله داغستان» (سال ۱۹۲۰ شماره ۵۴) و دیگر مقاله‌ها، ضمن حمله به سیاست ضد انقلابی دولتهای گرجستان، آذربایجان و ارمنستان که دروازه‌های ماورا اقفقاز را بروی دنیکین کشودند، همه زحمتکشان را به کمک به خلق داغسان که قهرمانانه با دشمن در نبرد بود فراخواند. از بین مطالب «حریت» درباره آذربایجان بویژه باید مقاله‌هایی را که به مسئله ملی پرداخته بود، نام برد. روزنامه در مقاله «چه کسی مقصر است؟» زد ر خوردهای بین ملیتی را که در مارس سال ۱۹۲۰ در برخی مناطق قراباغ و نیز در نخجوان و اردوباد و در بخش کوهستانی از بخش گنجه رخ داده بود به شلت محکوم میکند و توضیح میدهد که سیاست برانگیختن دشمنی بین ملیتیا و نزاعهای برادرکشی به سود چه کسی است. «مقصرین درگیری ارمنیا - آذربایجانینها، خلقهای ارمنی و آذر-بایجانی نیستند... اما مقصرینی وجود دارند. تنها با از بین بردن آنها یعنی دولتهای مساوات و دانشک و پایان دادن به سیاست ضد خلقی و ضد ملی آنها میتوان به دشمنی ملی بی مفهوم و زیانبار برای زحمتکشان هر دو خلق. پایان داد» (۱).

«حریت» به مقالات کلی سیاسی اکتفاء نکرده در صفحات خود، نامه‌ها و مطالب جداگانه‌ای را که از شهرها و روستاهای آذربایجان درباره قربانیان، ویرانینها و فلاکتیهای فراوان ناشی از درگیری ملی هر دو خلق دریافت کرده، درج میکند. روزنامه اشعاری را که دوستی چند صد ساله خلقهای آذربایجان و ارمنی را میستودند، چاپ میکرد.

«حریت» ضمن افشاء سیاست دولت مساوات که کارگران روس و آذربایجان را در برابر هم قرار میداد، شرح میداد که حکومت مساوات آذربایجان از سوی امپریالیسم انگلیس کنترل میشود و بهترین گواه این امر ناتوانی مساواتی‌ها برای برداشتن حتی یک کام در عرصه سیاست خارجی، بخصوص در رابطه با روسیه شوروی، «حریت» در مقاله «نباید اشتباهات گذشته را تکرار کرد» (۱۹۲۰ - شماره ۶۸) ضمن توضیح سیاست مساواتی‌ها که هرگونه پیشنهادی از سوی جمهوری فدراتیو روسیه شوروی که دولت‌بورژوازی آذربایجان را مرعوب میساخت، میدید. روزنامه‌ضمن افشاء مساواتی‌ها که

حفظ رژیم ارتجاعی خود را در نوکری برای امپریالیستهای خارجی میدیدند. سیاست‌ساز روسیه شوروی را که لندن ارائه داده بود، بدرستی شرح داده و کارگران دهقانان آذربایجانی را به مبارزه برای رهائی از ستم بورژوا - ملاکی، در راه استقلال ملی و دولتی و بر خورداری کامل از آن آزادی که روسیه شوروی به آنها اعطاء میکرد، فرامیخواند.

«حریت» به برقراری رابطه نزدیک با خوانندگان توجه فراوان داشت و از آنها دعوت میکرد فعالانه در کار روزنامه خود شرکت کنند. از نشریه بطور کاملاً برای تحکیم حزب بهره گیرند و نویسندگان جوان را در مغفوف خود پرورش دهند. «حریت» در پیام «از طرف هیئت تحریریه» که در روزنامه ۳۱ دسامبر سال ۱۹۱۹، شماره ۴۱ درج شد، اعلام کرد که تنها همکاری خود خوانندگان میتواند تقاضاهای کارگران را بر آورده سازد.

هیئت تحریریه از کارگران ایرانی تقاضا میکرد تا در باره آخرین اخباری که از طریق نامههای دریافتی از ایران بدست می‌آوردند به روزنامه اطلاع دهند و در مورد زندگی خانواده و آشنایانشان که در ایران مانده بودند و درباره خود کارگران و مبارزه آنها در راه حقوقشان شرح دهند. «حریت» بسرعت در بین خوانندگان خود اعتبار مییافت خشم و حملات حکام محلی و ارتجاع ایران را بر می‌انگیخت. در مقاله دوم ژانویه ۱۹۲۰، شماره ۴۲ روزنامه، در این باره به تفصیل سخن رفته است. روزنامه دارای بخشهای ثابت خود مانند «زندگی کارگری»، «مطبوعات»، «نامه‌ها» و غیره، بود.

در بخش «زندگی کارگری» عمدتاً مطالبی درباره کار و زندگی کارگران ایرانی ساکن باکو، رشد تشکل و آگاهی - و اعتصابات اقتصادی و سیاسی آنها نشر مییافت. در روزنامه درباره انجام کار فرهنگی بین کارگران و فعالیت کلوبهای کارگران مطالب سبمی نوشته میشد. در بخش «مطبوعات»، «حریت» به حملات مطبوعات ضد انقلابی و ارتجاعی درباره مسائل گوناگون سیاسی پاسخ میداد.

«حریت» در مقاله‌هایی چون «جراید ایران و آذربایجان» (۱۹۱۹ شماره ۳۰) - «مطبوعات و سانسور» (۱۹۲۰ شماره ۵۱) - «تعطیل جراید کارگری» (۱۹۲۰ شماره ۶۰) و ... به اصطلاح «آزادی مطبوعات» را که جراید ایرانی با مدای بلند فریاد میکردند، افشاء کرده و به سانسور شدید، تعطیل جراید کارگری و پیگرد مجله مشهور طنز «ملا نصرالدین» اشاره میکند و متذکر میشود که نه پیگردهای شدید پلیسی و نه ممنوعیتهای دولت مساوات نمیتوانند راه بیان حقیقت و اندیشه‌های آزادی را سد کنند. روزنامه در بخش «مطبوعات» همچنین از فعالیت مطبوعات مرفعی سخن میگفت و در باره انتشارات حزب «عدالت» در دیگر شهرها، خبر میداد.

قسمتهای کوتاهی که در بخش «نامه‌ها» جای میگرفت، حاکی از شهرت و پیوند نزدیک «حریت» با سازمانهای محلی حزب در ایران بود. مثلاً در نامه‌ای که از کمیته

حزبی تهران درباره بخش اسناد و نشریات «عدالت» در بین مردم شهر که موفقیت بزرگی داشت، سخن رفته بود. در این نامه گفته میشود، اعلامیه‌هایی که توسط کمیته حزبی چاپ شده به افزایش علاقه رحمتکشان تهران کمک میکند. نوشته‌های تشکر آمیزی که مردم روی دیوار در کنار اعلامیه چسباندند، گواه این امرند (۱). چنین نامه‌هایی از آستارا، رشت و دیگر شهرهای ایران به اداره روزنامه «حریت» ارسال میشد.

روزنامه در بخش «نامه‌ها» همچنین به سؤالات کارگران، در صورتیکه برای تعداد زیادی از خوانندگان جالب بود، پاسخ میداد.

«حریت» مسائل فرهنگ، ادبیات و هنر را به تفصیل شرح میداد، اشعار شعرای مشهور ایرانی و آذربایجانی مانند آ. وحید، ن. نوری، آ. غمگسار و دیگران را چاپ میکرد و در باره کار انجمنهای فرهنگی و نمایشاتی که در گروههای تئاتر در کلونهای کارگران به اجراء درمیآمد، سخن میگفت.

مطالب «حریت» از لحاظ تنوع سبک از یکدیگر متمایز بودند. در صفحات آن مقاله‌ها، تحلیل‌ها، طنزهای سیاسی، بررسی نامه‌ها و اخبار بچاپ میرسید.

«حریت» با درک نقش مؤثر اخبار، میکوشید خوانندگان خود را با مهمترین رویدادهای روز آشنا کند. هر روز ۱۵ - ۱۰ خبر در صفحات خود به چاپ میرساند. روزنامه زیر عنوان «اخبار مهم سه روزه»، «اخبار»، «اخبار از سطوبات خارجی» در دو - سه جمله اخبار مهم جهان و اعتصابها و تظاهرات کارگران خارجی را گزارش میداد و در اخباری که زیر عنوان «در ایران»، «اخبار باکو»، «در داغستان» درج میشد. «حریت» از رویدادها، تحلیل کوتاهی می‌داد.

پس از تعطیل روزنامه‌های مارکسیستی باکو روزنامه «حریت» تنها روزنامه‌ای بزیبان آذربایجانی بود که در مارس - آوریل سال ۱۹۲۰ وظایف نشریات مارکسیستی باکو را به عهده خود گرفت. مبارزه را بگونه‌ای شایسته ادامه داد و در شماره ۶۹ در ۳۰ آوریل سال ۱۹۲۰ پیروزی انقلاب آوریل در آذربایجان را تبریک گفت.

پیروزی انقلاب سوسیالیستی در آذربایجان تکان نیرومند به رشد جنبش آزادی - بخش ملی در ایران داد. انقلابیون ایران از شرایط استفاده کرده سازمانهای محلی حزب «عدالت» را که مخفیانه در ایران فعالیت میکردند، در مرکز واحد و تشکیلات حزب کمونیست ایران ادغام کردند.

در مطالب شماره‌های ۷۴ - ۶۹ که عمدتاً به زبان فارسی منتشر شده است، وظایف مشخص در برابر سازمانهای محلی «عدالت» برای وحدت آنها به دور حزب و تدارک انقلاب سوسیالیستی نهاده شده است.

در پیام «به رفقای ایرانی» (۱۹۲۰ شماره ۶۹) روزنامه اشاره کرده است که

پیروزی حاکمیت شوروی در آذربایجان دوران نوینی در برابر سراسر خاور زمین گشوده است و مینویسد: «رفقا، زمان آن رسیده است که ما کارگران ایران نیز بیاخیزیم، سینه‌ها برپا کنیم، سازمانها بوجود آوریم، راهپائی را که انقلاب سرخ را به ایران میاورند بیابیم و بدین ترتیب به مطلوب برسیم» (۱). در همان شماره در پیام «به زحمتکشان ایرانی ساکن آذربایجان» (شوروی) وضع دشوار کارگران ایرانی مقیم آذربایجان را شرح داده و میگوید که کارگران مورد تحقیر دولت مساوات و فریب کنسولگری ایران هستند و از حقوق ابتدائی نیز برخوردار نمیباشند. «حریت» در برابر آنها دو وظیفه عمده را قرار میدهد:

۱ - حمایت از حاکمیت شوروی در آذربایجان و کمک به تثبیت آن.

۲ - تقویت روحیه انقلابی در ایران و ایجاد زمینه و شرایط برای انقلاب (۲). آنها میگویند انقلاب اکتبر را در شرایط ایران کبھی کنند، این ویژگی، خصوصیت تمام جنبش‌های کمونیستی کشورهای خاور زمین بود. در صورتیکه و. ای. لنین بارها اشاره کرده است که انقلاب را نمیتوان صادر کرد و انقلاب اجتماعی تنها هنگامی ممکن است که کاملا پخته و آماده شود. پس از آنکه پرولتاریا از بورژوازی خودی جدا شده و آماده میشود که رهبری را از راه مبارزه بدست خود بگیرد.

کمونیستهای ایران در نظر نداشتند که بخش اعظم جمعیت ایران کارگرانی که مکتب مبارزه طبقاتی را دیده باشند نیستند. اکثریت عظیم اهالی ایران را دهقانان تشکیل میدهند. بنابراین در ایران در وحله اول انقلاب بورژوا - دمکراتیکی که امپریالیسم جهانی و فتودالهای محلی را نشانه گرفته باشد، ضروری بود.

اما در کنگره اول حزب بر اساس تزه‌های معروف و. ای. لنین در مورد مسائل ملی و مستعمراتی (۳)، اشاره شد که زمان انقلاب سوسیالیستی در ایران فرا نرسیده و از مواضع برخی کمونیستهای ایران که فعالیت عملی آنها بورژوازی ملی را از جنبش ضد امپریالیستی دور کرده بود، انتقاد شد (۴). این اشتباه بعدها در صفحات مطبوعات اصلاح شد و مسئله انقلاب بورژوا - دمکراتیک در نشریات حزبی بدرستی طرح شد.

۱ - حریت، ۳۰ آوریل ۱۹۲۰، شماره ۶۹.

۲ - همانجا.

۳ - و. ای. لنین، تزهائی به دومین کنگره انترناسیونال کمونیستی، کلیات آثار جلد ۴، ص. ۶۱ - ۱۶۸.

۴ - نخستین کنگره کمونیستهای ایران - مجله «انترناسیونال کمونیستی»، ۱۹۲۰، شماره ۱۴، ص. ۲۸۹۱ - ۲۸۹۲. (بزبان روسی) - (از این پس، انترناسیونال کمونیستی...).

در ماه ژوئن سال ۱۹۲۰، روزنامه «حریت» که وظایف عمده ارگان حزب را به انجام رسانده بود، پس از ۷۴ شماره به کار خود پایان داد.

«حریت» در بین نشریات حزب «عدالت» جای ویژه‌ای دارد. «حریت» به خط مشی سیاسی خود که از نخستین شماره‌ها اعلام کرده بود وفادار ماند و از نظر سانس، ثابت و پی‌گیر و ارگان منظم حزب بود. روزنامه بایروزی از اندیشه‌های مارکسیستی، لنینیستی در تحقق برنامه حزب «عدالت»، جذب گروه وسیع زحمتکشان ایران بمبارزه در راه آزادی و نیز بفراری حاکمیت شوروی در آذربایجان نقش بزرگی بازی کرد. مطالب «حریت» از لحاظ محتوای عمیق اصولیت، طرح مشخص مسائل، زبان ساده و سریخ و جلی متمایز میشدند. سولقین حزبی م. ج. جوادزاده، ن. بمیر، ح. ضیاء و دیگران در صفحات «حریت» رشد و تکامل یافتند و بعدها مدیران نشریات گوناگونی کمونیستی شدند. پارهای از موضوعها و عنوانهای «حریت» که تأثیر فراوانی میبخشیدند، سنن آینده همه مطبوعات کمونیستی ایران شدند.

همانگونه که اشاره رفت، بسیاری از ایرانیان مهاجر در ترکستان بسر میبردند و حزب «عدالت» کار تشکیلاتی، سیاسی - توده‌ای و فرهنگی وسیعی را در بین آنها انجام میداد. ا. م. ماتویف در مقاله «انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و ایرانیان مهاجر در ترکستان (سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۱۸)» مینویسد: «برای نابودی بیسوادی در همه جا مدارس، سازمانهای فرهنگی و آموزش برای جذب ایرانیان مهاجر تشکیل میشود. روزنامه‌هایی بزبان فارسی آغاز به انتشار می‌کند (البته خیلی نامنظم)» (۱). اما آ. م. ماتویف اطلاعات مشخصتری درباره این روزنامه‌ها نمیدهد.

در سال ۱۹۱۹ در ترکستان دو نشریه کمونیستی بزبان فارسی منتشر می‌شد. «شعله انقلاب»، ارگان کمیته ناحیه سمرقند و اولین مجله تاجیکی بود که در سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۱۹ بزبان فارسی منتشر میشد. این مجله عمدتاً برای ساکنان باغ شمال سمرقند که قریب ۱۵ هزار زحمتکش ایرانی در آن بسر میبردند و بخش اصلی جمعیت این ناحیه را تشکیل میدادند، نشر میافت (۲).

-
- ۱ - آ. م. ماتویف، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و ایرانیان مهاجر در ترکستان (سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۱۸) - آثار انستیتوی تاریخ حزب جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکمنستان، ۱۹۵۹، شماره ۶، ص. ۱۴۱. (بزبان روسی).
 - ۲ - مجله «شعله انقلاب»، ۲۴ فوریه ۱۹۲۱، شماره ۶۹، ص. ۴، (از این پس شعله انقلاب ...).

دومی - روزنامه «نجات» بود که در پایان سال ۱۹۱۹ آغاز به انتشار کرد. این روزنامه را شعبه سیاسی شورای نظامی - انقلابی ماوراء خزر زیر نظر یوسف تاجبخش زاده منتشر میکرد. روزنامه در نواحی و شهرهای ایران پخش میشد و در امر تقویت جنبش آزادیبخش - ملی و مبارزه علیه سیاست استعماری امپریالیسم انگلیس در ایران از اهمیت فراوان برخوردار بود.

ی. ناصرلی در مقاله‌ای که در روزنامه «ترکمنستان» ۱۵ ماه مه سال ۱۹۲۳ درج نموده چنین مینویسد: «روزنامه از نظر فنی هنوز خیلی از حد مطلوب دور بود. اما با حرکت فعال برای انقلاب در خاور زمین و ایران در عصر خود نقش بسیار برجسته‌ای ایفاء کرد». متأسفانه حتی يك شماره از روزنامه «نجات» یافت نشده است. بنابراین دادن اطلاعات دقیقتر در باره روزنامه و ناشرین آن غیر ممکن بنظر میرسد. در اطلاعات ناچیزی که در باره روزنامه «نجات» بدست آمده است اشاره نمیشود که روزنامه ارگان حزب «عدالت» بود. اما در اخباری که در همان مقاله ناصرلی درباره ارگان حزب «عدالت» - «بیرق عدالت» آمده است، انتشار این روزنامه را از سوی کمیونستهای ایران، تأیید می‌کند.

در مقاله اشاره میشود که «بیرق عدالت» بجای روزنامه «نجات» که تعطیل شد، انتشار می‌یابد (۱).

غلام مدلی حروفچین سابق این دو روزنامه که اکنون رجل شایسته فرهنگ آذربایجان و پیش کسوت حزب است و با بسیاری از عدالتی‌هائی که در عشق آباد فعالیت میکردند، از جمله با مدیر روزنامه «نجات» یوسف تاجبخش زاده آشنا بود، او در گفتگو با نویسنده درباره انتشار روزنامه‌های «نجات» و «بیرق عدالت» در عشق آباد از سوی کمیونستهای ایران چنین شرح میدهد: بجای روزنامه تعطیل شده «نجات» در عشق آباد روزنامه «بیرق عدالت» - ارگان حزب «عدالت» آغاز به انتشار کرد. روزنامه از اواخر ماه مارس تا پایان سال ۱۹۲۰ هر ده روز يك بار منتشر میشد.

«حریت» ضمن تبریک بمناسبت انتشار اولین شماره روزنامه، اطلاع داد که در

۱- روزنامه «ترکمنستان». ۱۵ مه سال ۱۹۲۲، شماره ۴۸، (بزبان ترکمنی)،

(از این پس: ترکمنستان...).

این شماره «پیام و. ای. لنین به خلقهای خاور زمین» (۱) و مطالبی درباره زندگی مردم ایران منتشر شده است (۲).

هدف مقاله‌های اصلی روزنامه افشای سیاست استعماری امپریالیسم انگلیس در خاور زمین بود. تا سپتامبر سال ۱۹۲۰ «بیرق عدالت» با تیراژ ۴۰۰۰ نسخه منتشر میشد. تیراژ شانزدهمین شماره در ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۲۰ - ۳۰۰۰، شماره ۱۷ در ۱۸ سپتامبر ۱۹۲۰ - ۱۰۰۰ و شماره ویژه جشن در ۲۷ اکتبر سال ۱۹۲۰ - ۲۰۰۰ نسخه بود. روزنامه در کشورهای هم‌مرز با ترکمنستان یعنی در ایران و افغانستان پخش میشد (۳).

به نظری. نامرئی «بیرق عدالت» ... هیچ سودی برای مطبوعات به همراه نیاورد چرا که مطالب آن کم محتوا بود و سبک هنری مدیران آن نوآوری نداشت. پس از ۱۵ شماره هیئت تحریریه روزنامه تغییر کرد و محتوای آن بهتر شد. اما روزنامه پس از بازگشت ناشرین به ایران. به کار خود پایان داد (۴). متأسفانه تلاش برای یافتن حتی یک شماره «بیرق عدالت» هم بی نتیجه ماند.

بدلیل نبودن اطلاعات دیگر در آرشیوهای حزبی جمهوریهای آسیای میانه و آذربایجان درباره این نشریات «عدالت». توضیح مفصل‌تر در باره آنها غیرممکن است کمونیستهای ایران که به تأثیر فراوان گفته‌های کتبی پی برده بودند. علاوه بر مطبوعات نوبتی تعداد زیادی جزوه و اعلامیه چاپ میکردند که هم در بین کارگران ایرانی در روسیه و هم در خود ایران پخش میشد. به کمک فعالان کمونیستهای ایران بوری مرکزی سازمانهای کمونیستی خلقهای خاور زمین که در سال ۱۹۱۸ در مسکو تشکیل شده بود. در مدت کوتاهی تعداد زیادی جزوه و اعلامیه به چاپ رساند. مثلاً «پیام» به زحمتکشان مسلمان روسیه و خاور زمین» در ۱۰۰۰۰۰ نسخه منتشر شد و همچنین جزوه‌های «لفو صالح برست». «قانون اساسی جمهوری فدراتیو روسیه شوروی». «پیام به جوانان زحمتکش خاور زمین» بزبان فارسی منتشر شد. تعداد زیادی جزوه و اعلامیه بزبان آذربایجانی بچاپ رسید (۵).

-
- ۱ - منظور سخنرانی و. ای. لنین در کنگره سراسری روسیه سازمانهای کمونیستی خلقهای خاور زمین است (۲۱ نوامبر - ۳ دسامبر سال ۱۹۱۹).
 - ۲ - حریت، ۱۴ آوریل، ۱۹۲۰، شماره ۶۵.
 - ۳ - آناکوراف. م. د. مختصری از تاریخ مطبوعات ترکمنستان شوروی - عشق-آباد، ۱۹۶۲، ص. ۲۲ (بزبان ترکمنی).
 - ۴ - ترکمنستان - ۱۵ مه ۱۹۲۳، شماره ۴۸، (بزبان ترکمنی).
 - ۵ - پلاستون. و. ن. شرکت زحمتکشان ایران در جنگ داخلی روسیه - مجله «خلقهای آسیا و آفریقا»، ۱۹۷۲، شماره ۲، ص. ۶۱، (بزبان روسی).

مطبوعات حزب کارگری ایران - «عدالت» جای ویژه‌ای را در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران اشغال میکند. نشریات حزب علیرغم پاره‌ای اشتباهات و کمبودها نقش بزرگی در نقوذ و گسترش اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم در ایران ایفاء کردند. آنها با سخنان حقیقی و شجاعانه خویش به رشد روحیات انقلابی توده‌ها کمک کردند. درپرتو فعالیت آنها، گروههای کمونیستی در تبریز، زنجان، رشت، اردبیل، آستارا، مشهد، تهران، مازندران و در شهرهای دیگر تشکیل شد و در سال ۱۹۲۰ حزب «عدالت» در ایران دارای ۱۵ هزار نفر عضو بود (۱).

ارگانهای مطبوعاتی در ماوراء قفقاز و ترکستان در تربیت يك نسل کامل از کارگران ایرانی نقش بزرگی داشتند. این کارگران انقلابی که از افرادی عقب مانده، تبه‌دستان تحقیر شده که بدنبال کار مجبور به ترک مین شده بودند، به بخش آگاه و از نظر سیاسی باسواد پرولتاریای نوظهور ایران تبدیل شدند و هسته گروههای انقلابی در نهضت آزادی بخش - ملی کیلان در سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۲۰ را تشکیل دادند.

۳. مطبوعات کمونیستهای ایران در ماوراء قفقاز و ترکستان

در اولین کنگره حزب کمونیست ایران همزمان با مسائل دیگر، مسئله مطبوعات حزبی نیز مورد بحث قرار گرفت. م. ج. جوادزاده نویسنده و پوبلیسیست مشهور در این باره سخنرانی کرد، کنگره وظایف زیر را دربرابر مطبوعات حزبی نهاد: یافتن اشکال لازم برای تبلیغ و ترویج اندیشه‌های انقلابی و کمک به نزدیکی کارگران و دهقانان، آشنا کردن مردم ایران با شیوه‌های مبارزه طبقاتی، سوق افکار عمومی علیه رژیم شاه و اسپریالیسم انگلیس (۲).

در بین ۱۵ عضو کمیته مرکزی حزب که از طرف کنگره برگزیده شدند، روزنامه - نگاران با تجربه‌ای چون م. ج. جوادزاده، نعمت بصیر و کامران آقازاده بودند. آنها پس از کنگره بی درنگ اقدام به انتشار ارگان کمیته مرکزی حزب یعنی روزنامه «کمونیست ایران» کردند. تصمیم گرفته شد، روزنامه در شهر رشت - مرکز استان کیلان منتشر شود.

۱ - سلطانزاده، در باره حزب کمونیست ایران - انترناسیونال کمونیستی، ۱۹۲۰ شماره ۱۳، ص. ۲۵۵۲ - ۲۵۵۱ (بزیان روسی).

۲ - آرشیو تاریخ حزب شعبه آذربایجان ... کنجینه ۱۱، سیاهه ۱، پرونده ۸۴، ورق ۱۴.

در آغاز سال ۱۹۲۰ بسیاری از کارگران و زحمتکشان ایران به میهن بازگشتند. اما در ماوراء قفقاز، ترکستان و در برخی شورهای دیگر روسیه هنوز هزاران ایرانی باقی مانده بودند. بمنظور جذب آنها به جنبش انقلابی و متحد کردن شان بدور حزب یابستی در بین آنها کار حزبی - سیاسی و تبلیغاتی انجام میشد. مسئله ضرورت انتشار ارگانهای مطبوعاتی حزب در خارج از کشور به شکل حادی در برابر حزب کمونیست ایران قرار گرفت.

سازمان حزب ابراهیم علیزاده یکی از اعضای فعال خود و شرکت کننده در انقلاب کیلان را به تفلیس اعزام کرد. او در آنجا همراه با م. س. کرمانشاهلی روزنامه «عدالت» را منتشر ساخت. بطوریکه از نامه‌های ابراهیم علیزاده به ت. آ. ابراهیم‌اف (شاهین) بر می‌آید روزنامه «عدالت» ۲۰ شماره منتشر شد. روزنامه از راه جلفا به تبریز و از باکو به کیلان و حتی به تهران فرستاده میشد (۱).

متأسفانه حتی يك شماره از این روزنامه دریافت نکردیم و مجبوریم تنها به اطلاعاتی که در مقاله ت. ا. ابراهیم‌اف (شاهین) «از تاریخ مطبوعات کارگری در ایران» آورده شده است، اکتفاء کنیم.

اولین شماره «عدالت» در ۱۰ ژوئن سال ۱۹۲۱ از چاپ خارج شد. در سرمقاله این شماره روزنامه سمت فعالیت خود را چنین تعیین میکند: «هنگامی که افق سیاسی ایران را ابرهای تیره پوشانده، روزنامه «عدالت» که در پایتخت گرجستان - شهر تفلیس - منتشر میشود وظایف زیر را در برابر خود قرار میدهد: - نشر افکار انقلابی در بین توده‌های ستمکشان زحمتکش، آشنا کردن آنها با آرمانهای عالی و تئوری انقلاب، اجتماعی و کمونیسم و باتاکتیک حزب کمونیست ایران و متحد کردن آنها زیر پرچم عدالت‌وآزادی، آزاد کردن ایران از بند دشمنان خارجی و داخلی» (۲). مطالب «عدالت» به زبانهای فارسی و آذربایجانی چاپ میشد. میرسیف الدین کرمانشاهلی، کمونیست مشهور ایران و یکی از نخستین اعضای حزب کارگری «عدالت» در تهیه بخش آذر-بایجانی روزنامه شرکت فعالی داشت. در صفحات این روزنامه اغلب اشعار علی امیر خمیزی رجل فعال حزب کمونیست ایران که در انقلاب سالهای ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵ ایران هم شرکت داشت چاپ میشد.

-
- ۱ - ابراهیم‌اوف ت. آ. (شاهین). ورقه از تاریخ مطبوعات کارگری ایران. - آثار علمی انستیتوی شرق شناسی آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان، جلد ۴، باکو، ۱۹۶۳، ص. ۲۲ - (بزبان آذربایجانی) - (از این پس: ابراهیم‌اوف (شاهین)، مقاله نامبرده ...)
 - ۲ - ابراهیم‌اوف (شاهین)، مقاله نامبرده، ص. ۲۲.

در نشست عمومی کمیته‌های ایران که در آغاز سال ۱۹۲۲ برگزار شد، بوروی خارجی در باکو تشکیل شد که باید در میان زحمتکشان ایرانی مقیم خارج به کار سیاسی - فرهنگی بپردازد و آنها را به گرد حزب متحد میکرد.

از اعضای کمیته مرکزی - حمید سلطانی، کامران آقازاده و نعمت بصیر که تمام عمر، در ارگانه‌های حزبی فعالانه شرکت جستند و نقش بزرگ سازمانگری برای مطبوعات قائل بودند، در ترکیب بوروی خارجی وارد شدند.

آنها برای انجام وظایفی که در برابر بوروی خارجی حزب کمونیست ایران قرار داشت پیش از هر چیز اقدام به انتشار نشریه حزبی کردند. بطوریکه در ۱۶ اوت سال ۱۹۲۲ در باکو اولین شماره ارگان تئوریک کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بنام «آزادی ایران» منتشر شد. «آزادی ایران» یک مجله ادبی، اقتصادی و اجتماعی - سیاسی بود که دوبار در ماه به زبانهای فارسی و آذربایجانی چاپ میشد (۱). تنها شماره اول این مجله در دست است و درباره شماره‌های بعدی «آزادی ایران» همانند دیگر نشریات خارجی حزب کمونیست ایران در این دوران اطلاعی در دست نیست.

د. آقازاده، ن. بصیر و م. علی‌خانف، عضو هیئت تحریریه بودند. اولین شماره «آزادی ایران» در ۱۶ صفحه منتشر شد. مطالب این شماره از لحاظ تنوع مسائل طرح شده، بسیار جالب است. در مقاله «هدفی که ما دنبال میکنیم» مشی سیاسی خود را بیان کرده و مینویسد: در «صفحات مجله اندیشه‌های کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و وضع دشواری که استبداد سلطنتی در کشور فراهم آورده است منعکس خواهد شد. مجله خواننده را با شرایط سخت و تحمل ناپذیری که زحمتکشان ایران در آن بسر میبرند، آشنا میکند و تلاش خواهد کرد طرق رهایی از بردگی و فلاکتی را که زحمتکشان به آن دچارند نشان دهد.

«آزادی ایران» علیه اشغالگران خارجی و عوامل آنها یعنی تمام مقامات دولتی که به حقوق سیاسی و اقتصادی و فرهنگ کهن مردم ایران خیانت میکنند، مبارزه بیرحمانه‌ای خواهد کرد» (۲). در مقاله همچنین اشاره میشد که در صفحات مجله آثار ادبی که در آنها تاریخ کهن ایران از سوی نویسندگان ستوده شده و آرزوها و امیال زحمتکشان ایران بازتاب یافته، جای فراوانی را اشغال خواهند کرد. در یکی از مقالات مجله قیامیا و شورشهای اخیر که اغلب ولایات ایران را فرا گرفته بود بررسی شده و نویسنده متذکر گردیده است که پس از پیروزی انقلاب اکتبر کشور ایران کاملاً زیر تسلط امپریالیستهای انگلیسی قرار گرفت. دلان انگلیسی ضمن سرکوب هر گونه تلاش و مبارزه توده‌ها میکوشند روحیه انقلابی مردم را خفه کرده ایمان به پیروزی انقلاب

۱ - آزادی ایران، ۱۶ اوت ۱۹۲۲، شماره ۱، ص. ۱.

۲ - همانجا.

ایران را در آنها از بین ببرند، بنابراین این مجله معتقد بود که باید برای کار، در بین زحمتکشان ایران ابزار ویژه‌ای یافت که انجام فعالیت تبلیغی و ترویجی اندیشه‌های خلقی و کمونیستی را ممکن سازد.

نویسنده مقاله همچنین اشاره می‌کرد: «با در نظر گرفتن این‌که مردم ایران عمدتاً عقب مانده و دهقانان پراکنده‌ای هستند که تحت نفوذ روحانیت و ستم انگلیسی‌ها قرار دارند، من معتقدم که باید موقتاً از فکر انقلاب اجتماعی صرف نظر شود. امروز اگر در ایران زمینه‌ای هم برای انقلاب وجود دارد، این تنها برای یک انقلاب خلقی است که در آن نه فقط اقشار پائین بلکه همچنین اقشار متوسط جامعه نیز شرکت جویند» (۱).

مجله با اشاره به این وضع، وظایف زیر را در برابر کمونیستهای ایران قرار می‌دهد: متحد کردن دهقانان تبه‌دست و متوسط، زحمتکشان شهری و پیشه‌وران، جنت دادن به نیروی عظیم آنها علیه حکومت استبداد سلطنتی و استعمارگران انگلیسی. بیرون راندن زمین‌داران بزرگ از ایران و تقسیم بی درنگ اراضی بین کشاورزان، تا آنها مطمئن شوند که بین گفتار و کردار حزب کمونیست جدائی وجود ندارد، ره‌اندین کارگران و دهقانان از ستم مشقت بار، سرکون کردن رژیم شاه و برقرار ساختن حکومت انقلابی به شکل شوراهای و همچنین برقرار روابط دوستانه با همه جماهیر شوروی.

نریمان نریمانف انقلابی برجسته و رجل مشهور جنبش کمونیستی و رهبر حزب کمونیست آذربایجان شوروی که به فعالیت سازمانهای جوان کمونیستی کشورهای خاور زمین و بویژه ایران توجه فراوان داشت، در انتشار مجله «آزادی ایران» شرکت می‌کرد. نریمان نریمانف که به مکتب لنینی انتشارات تعلق داشت و از سرچشمه‌های مطبوعات ملی طراز نوین برخوردار بود، مقاله‌ای بنام «طریق نجات شرق در تغییر دادن اصول اداره است» را در مجله «آزادی ایران» منتشر کرد. نویسنده ضمن بررسی وضع عمومی خلقهای خاور زمین که تحت ستم اقتصادی و سیاسی دولتهای امپریالیستی قرار داشتند تأکید می‌کرد که امید به اینکه امپریالیسم جهانی زمانی داوطلبانه از چپاول کشورهای خاور زمین دست خواهد کشید، عبث است.

نویسنده تأکید می‌کرد که «اهالی ایران، عثمانی، افغانستان، عربستان، هندستان، مصر که امروز سرشک خونین چشمها را مانند ابر نیسان میریزند باید بفهمند! فی الحقیقه ترقیات جهانگیرانه آوروپا و پیشرفت دنیای ماکنوی ایشان که دقیقه‌به‌دقیقه روبه ترقی نهاده است محتاج محصولات ممالک شرق و با بازار ممالک شرق علاقه‌دار است» (۲).

۱ - آزادی ایران، ۱۶ اوت ۱۹۲۲، شماره ۱، ص. ۳.

۲ - همانجا، ص. ۱۳.

آزادی ایران

مجله

نریمان نریمانف سیاستی را که دولتهای این کشورها اعمال میگردند، خیانت به منافع ملت‌های شرق میدانست و دیپلمات‌های کشورهای خاور زمین را که سهم‌ترین جنبه‌های مسائل جهانی مربوط به منافع کشورهایشان را مسکوت می‌گذاشتند، محکوم می‌کرد. نریمان نریمانف یگانه راه نجات کشورهای خاور زمین را در وحله اول در تقصیر نظام سیاسی میدید و با تحلیل ساختار طبقاتی این کشورها از برقراری حاکمیت خلقی در آنها پشتیبانی می‌کرد. نریمانف پیشنهاد می‌کرد که در کشورهای شرق باید شعار « هر کسی که میخواهد برای مملکت و وطن فعالیت خود را صرف نماید حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را مالک است » را مطرح کرد. با تکیه به این شعار طبقاتی به نظر او این نیروها عبارت بودند از:

۱) فعله. آنها مزدورانی است که زحمت خود را به سرمایه‌داران فروخته‌خودشان بی باغ و بی خانه، بی مکان یعنی بی سر و سامان، فقیران گرسنه و عریان است.

۲) رنجبران و بزرگرانند که با زحمت فوق‌العاده زمین زراعت را میکاشند و دور می‌نمایند.

۳) صنعتکاران و اختراع‌چیان است که با قوت صنعت و دانشمندان خودشان استعه و استحصالات را بیدان آورده احتیاج مملکت را رفع نمایند.

۴) ارباب قلم است که با علوم و با قلم‌های خودشان خدمت نمایند.

سوی از این‌ها هر کس که در امور مملکت اشتراک نموده باشد حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را مالک است» (۱).

نظر نریمانف این بود که باید همین لایه‌های جامعه از حق برگزیدن و برگزیده شدن در ارکان‌های حکومتی برخوردار باشند.

نریمانف در آن سالها بارها متذکر شده بود که شرایط عینی برای انقلاب سوسیالیستی در خاور زمین فراهم نشده است. او مینوشت: «هر کس که میگوید حالا ممالک شرق برای قبول اصول اداره شوروی قابل و حاضر نیست چشم‌های آن‌گونه شخص‌ها ببینند و گوش‌های ایشان نشنود و مغزهای ایشان کار نمیکند» ... و متذکر میشد که تنها «اصول اداره شوروی به شرق راه نجات و ترقی را میکشاید» (۲).

مجله به مسائل اقتصادی نیز توجه بسیاری داشت. در مقاله علمی‌خانف «قراردادهای خارجی در ایران» وضع اقتصادی ایران که به بازار فروش محصولات صنعتی دولتهای امپریالیستی، منبع مواد خام ارزان قیمت و عرصه سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل شده بود، مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده قراردادهائی را که به انگلیس و روسیه تزاری تعلق داشت برشمرده و بر اهمیت فراوان تاریخی فرمان‌های

۱ - همانجا، ص. ۱۴.

۲ - همانجا، ص. ۱۵.

دولت شوروی در سرنوشت کشورهای خاور زمین، بویژه ایران تأکید کرده است. براساس این فرمانها تمام قراردادهای موافقتنامه‌های نابرابر ملغی شدند. دولت شوروی از تمام اموال و دارائی‌هایی که قبلاً روسیه تزاری در ایران از آن برخوردار بود، از دریافت قرضهائی که ایران از روسیه گرفته بود چشم پوشید و کلیه مؤسسات امتیازی را بطور رایگان به مردم ایران واگذار کرد. مجله متذکر میشد که «جمهوری شوروی تمام آنجا را که روسیه تزاری از ایران به زور گرفته بود، به ایران باز گرداند» (۱).

در مقاله‌ای دیگر « تسلط اقتصادی روسیه در شمال ایران» برپایه اسناد و ارقام قانع کننده گفته میشد که سیاست اقتصادی روسیه تزاری در نواحی شمالی ایران قابلیت تولید کشاورزی ایران و تخصیص استعماری تولید مواد خام و ارزاق برای بازار سرمایه‌داری را افزایش داده است. هیئت تحریریه مجله ظاهراً در مدد بود، سلسله مقالاتی در باره اقتصاد کشور زیر عنوان «رشد اقتصادی و مسئله ارضی ایران در قرن بیستم» چاپ کند و مقاله فوقالذکر «بخش اول» این سلسله بوده است.

کامران آقازاده یکی از سازماندهندگان اصلی مجله و عضو هیئت تحریریه آن، مقاله «ارتش ایران و انقلاب» را در «آزادی ایران» بچاپ رساند. نویسنده ضمن قائل شدن ارزش فراوان برای نقش ارتش در حیات دولت به عنوان تکیه گاه استقلال آن، یکی از دلایل تبدیل ایران به مستعمره دولتهای خارجی را در فقدان ارتش ایران میدانست و تأکید میکرد که «تنها انقلاب و ارتش میتوانند کشور را از وابستگی دولتهای نیرومند اروپائی آزاد کنند» (۲). کامران آقازاده ضمن استقبال از تجدید سازمان ارتش و تشکیل نیروهای منظم مسلح ایران اشاره میکرد که هدف اصلی حاکم ایران از تشکیل ارتش واحد کسب استقلال کشور نیست بلکه عبارتست از سرکوب «جرقه‌های انقلاب که در سراسر ایران مشتعل شده است» (۳).

ک. آقازاده با پیش‌بینی این که ارتش ایران بار دیگر تکیه گاه طبقات حاکم خواهد بود، بدرستی اشاره داشت که ارتش هزاران دهقان بیسواد و تحقیر شده راست‌دگر کرده است و میتواند در آینده سازمان نیرومند واحدی که قادر به ایفای نقش مهم در انقلاب خلقی است، بشمار آید. اما مجله ضمن امید فراوان به ارتش که عمدتاً از دهقانان تشکیل شده بود، اطمینان خود به روحیات انقلابی-سین پرستانه ارتش را تنها بدلیل وضع مالی دشوار حکومت شاه میدانست، با اشاره به اینکه نگهداری يك ارتش بزرگ نیازمند وسایل فراوانی است که حکومت ایران اسکان تامین آنرا ندارد به نظر ک. آقازاده

۱ - همانجا، ص. ۵.

۲ - همانجا، ص. ۶.

۳ - همانجا.

این عامل به تشدید بحران درون ارتش که میتواند به نارضایتی و انقلاب بیانجامد، کمک خواهد کرد.

نویسنده انجام کار تبلیغی و سازمانی در ارتش را لازم نمیدانست و تنها به بحران اقتصادی درون ارتش امید بسته بود.

در مجله «آزادی ایران» مسائل ادبی نیز بررسی میشود. در مقاله نعمت بصیر «درباره ادبیات ایران» از میراث غنی ادبیات و شعر مردم ایران که طی سدههای متمادی ایجاد شده و امروز عمق فلسفی و غناء و ظرافت تکرارناپذیر آن مورد ضربه قرار گرفته، سخن رفته است. اما همانگونه که مجله اشاره کرده، ادبیات معاصر ایران در حال حاضر دچار بحران است. «ریا، تملق، گریه و زاری نشانههای اصلی آثارشاعران و نثرنویسان معاصر ایران است که نمیتوانند بمردم راهی جز جاری ساختن اشک و چاپلوسی نشان دهند» (۱).

ن. بصیر از اشعار شاعر مشهور ایران سدهی که ۷ قرن پیش علیه استبداد و ستم برخلق سخن میگفت و یکی از نخستین افرادی بود که در تاریخ ادبیات جهانی اندیشههای انترناسیونالیسم را به شعر راه داد، نمونه آورده و اشاره میکند. «تازمانیکه نویسندگان و شعراء ایران از نوشتن «مرثیه» و قصیده به انعکاس زندگی خلق، امیال و آرزوهای آن روی نیاورند نمیتوان سخنی از پیشرفت مردم ایران بطور اعم و ادبیات آن بطور اخص بر زبان راند» (۲).

در مجله اشعار ن. بصیر بنام ن. عمادی چاپ میشد و شعر او بنام «برای ملت» که نمیخواهد از خواب بیدار شود» با نام مخفف «م» درج شده است.

بطوریکه از مطالب شماره اول بر می آید، مجله مسائل بین المللی را نیز عمیقاً بررسی کرده است. در مقاله «بررسی سیاسی» که توسط نویسنده مشهور م. س. اردویادی نوشته شده بود، از اوضاع پیچیده جهانی تحلیل عمیقی شده است. نویسنده ضمن انتقاد از سیاست امپریالیسم آمریکا، انگلیس و فرانسه جمع بندی کنفرانس ژن را بررسی کرده و به دلایلی که کشورهای امپریالیستی را برای به رسمیت شناختن دولت روسیه و ادوار کرد اشاره رفته است. اردویادی، بیداری خلقهای خاور زمین و درک آنها از حقوق خویش را عامل اصلی شکست سیاست مستعمراتی انگلیس میدانست.

مطالب شماره اول «آزادی ایران» که مورد بررسی ما قرار گرفت حاکی از عزم ارکان حزب برای پرداختن به همه رشتههای زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

۱ - همانجا، ص. ۴.

۲ - همانجا.

ایران، کمک برشد آگاهی سیاسی و خود آسوزی خوانندگان خود و سطح عالی تخصص نویسندگان آن است. در ضمن، تنها شماره منتشر شده مجله مسلماً نمیتوانست از عهده تمام وظایفی که بوروی خارجی حزب کمونیست ایران در برابر آن نهاده بود برآید. ولی اطلاعاتی، اگرچه بصورت تذکر نیز در باره ادامه انتشار «آزادی ایران» وجود ندارد و علل قطع انتشار مجله معلوم نیست. تنها میتوان جلس زد که «آزادی ایران» پس از بازگشت ناشر اصلی خود کامران آقازاده به ترکمنستان که برای فعالیت حزبی به آنجا اعزام شده بود، به فعالیت خود پایان داد (۱).

انتشار ارگانهای مطبوعاتی حزب کمونیست ایران در ترکمنستان دشوارتر بود. تصادفی نبود که کمونیستهای ایران برای انجام وظایف محوله از سوی حزب، از مطبوعات محلی بطور گسترده بهره میجستند. از بین آنها باید مجله «شعله انقلاب» را که در سالیهای ۱۹۲۱ - ۱۹۱۹ در سمرقند به زبان فارسی منتشر میشد نام برد.

در صفحات «شعله انقلاب» علاوه بر اخبار فعالیت حزب «عدالت» و شعبه‌های ایرانی جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکستان، زندگی زحمتکشان ایرانی در ترکستان، خلاصه رویدادهای هرفته ایران و خلاصه جراید ایران، مقاله‌های بلندی که به جنبش انقلابی و آزادی بخش در ایران اختصاص داشت، به چاپ میرسید. بسیاری از مقاله‌ها به وضع معاصر کشور، فعالیت احزاب سیاسی، قرار داد شوروی - ایران که در فوریه سال ۱۹۲۱ منعقد شد و دوران نوینی را در روابط بین‌دو کشور کشور، اختصاص یافته است. در مجله همچنین پیامها و نامه‌های کمونیستهای ایران در ترکستان خطاب به تمام زحمتکشان ایران و مجلس ملی ایران و ... چاپ شده‌اند.

در مقاله‌ای که بنام «ابتکار مهم کمیته باغ شمال» در «شعله انقلاب» بچاپ رسید، بنحو بارزی حاکی از کوشش برای تامین نیازهای نشریات است.

در مقاله گفته میشد: «درست است که درباغ شمال بزبان فارسی هفت مکتب، سه چهار کورسهای شبانه، دوسه قرائت خانه، یک دسته تئاتر و موسیقی، دائراس، ولی افسوس که بسبب نبودن معلمین و استادان مقتدر و کامل، کتابها و لوازمات درسی و مکتبی ادبیات و رساله‌های اجتماعی و انقلابی بزبان فارسی از همه این وسایل معارف و مدنیت نتیجه قناعت بخشی حاصل نمیشود» (۲).

در مقاله همچنین گفته میشد که برای برطرف ساختن این مشکلات در باغ شمال جلسه‌ای از معلمین تمام مدارس فارسی زبان، شرکت کنندگان گروههای تئاتر و موسیقی

۱ - آرشیو تاریخ حزب شعبه آذربایجان ... گنجینه ۲۷۶، سیاهه ۵، پرونده ۱۲۶، ورقها ۱۳ - ۱۷.

۲ - شعله انقلاب، ۲۴ فوریه ۱۹۲۱، شماره ۶۸، ص. ۴.

و نمایندگان فرهنگیان شهر برگزار شد. اعضای بوروی مرکزی شعبه ایران جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکستان در این جلسه شرکت داشتند. میرزا حلیم کریم‌زاده، فرج‌اله محمودزاده و علی اکبر محمدزاده مسئولین محلی بوروی مرکزی در باره وضع امور گزارش دادند. تصمیم گرفته شده برای کار سیاسی و فرهنگی در بین ایرانیان مقیم سمرقند لوازم درسی و ضروری بزبان فارسی، نته‌ها و غیره از خود ایران آورده شود. انجام این وظیفه را به علی اکبر محمدزاده محول کردند. او قرار بود همراه با مدیر مجله «شعله انقلاب» سعید رضا علیزاده که عازم ایران بود، به تهران برود. سفر علیزاده بنا به برخی ملاحظات صورت نگرفت و در باره انجام وظیفه علی اکبر محمدزاده اطلاعاتی در دست نیست. کمونیستهای ایرانی که در ناحیه ماوراء خزر فعالیت میکردند هم با چنین مشکلاتی روبرو بودند.

در ژوئیه سال ۱۹۲۱ در عشق‌آباد کنفرانس کمونیستهای ایرانی ناحیه ماوراء خزر تشکیل شد که در آن درباره لحظه موجود و وظایف و فعالیت سازمانهای محلی شعبه ایران بحث و گفتگو شد (۱). گزارشهای محلی نشان میداد که فعالیت شعبه ایرانی بازمه دلیل کمبود کارکنان باسواد و نبودن نشریات، در کل ضعیف بوده است. نگرانی رهبران سازمان از فعالیت حزبی - سیاسی فوق‌العاده ضعیف در بین زحمتکشان ایران در دیگر اسناد حزبی نیز بازتاب پیدا کرده است. مثلا آقای دیربوری مرکزی شعبه ایران جنب کمیته منطقه ترکمنستان، در نامه ۲۹ ژوئیه سال ۱۹۲۱ به بوروی خارجی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در باکو ضمن اشاره به این که «منطقه ترکمنستان مرکز پایگاه انقلابی ایران محسوب میشود و شعبه ایران در ترکمنستان یکی از اجزای اصلی حزب کمونیست ایران است». مینوشت: «ما به نشریات که در ترکمنستان بسیار کم و حتی میتوان گفت تقریبا وجود ندارد، فوق‌العاده نیاز داریم. در رابطه با جراید هم وضع دقیقا به همین ترتیب است. در این باره دیگر نیازی به توضیح برای شما نیست... بوروی مرکزی شعبه کمونیست ایران تقاضا میکند کمپوذهای ما را برطرف سازید. برای تربیت کادرهای سیاسی انقلاب آینده ایران، در حد امکان نشریات و جراید بفرستید» (۲).

کمونیستهای ایران شیوه حل مسئله نشریات را در وحله اول در انتشار یک روزنامه در خود ترکمنستان میدیدند. در ماده ششم «برنامه کار بوروی مرکزی، شعبه

۱ - روزنامه «ایروستیا»، عشق‌آباد، ۲۴ ژوئیه سال ۱۹۲۱، شماره ۴۱.

(بزبان روسی).

۲ - آرشیو تاریخ حزب شعبه ترکمنستان... گنجینه ۳۲، سیاهه، پرونده ۱۰، ورق ۱.

کمونیستی ایران» آمده است: «کمیته منطقه حزب کمونیست ترکمنستان تقاضا دارد برای پیشبرد ترویج مطبوعاتی، اجازه دهید روزنامه‌های بزبان آذربایجانی منتشر کنیم که بتواند بعنوان یگانه پایگاه کار ترویجی میان زحمتکشان ایرانی و آذربایجانی خدمت کند... (۱). در آغاز ژانویه سال ۱۹۲۲ بتصویب کمیته مرکزی، حزب کمونیست ترکمنستان، شعبه ایران و آذربایجان که در کمیته منطقه ترکمنستان فعالیت میکردند، باهم متحد شدند. کمیته مرکزی به تمام کمیته‌های منطقه‌ای و شهری که در جنب آنها شعبه ایران وجود داشت، دستور داد برای بهبود کار آنها از هیچ کمکی دریغ نکنند. در برنامه کار بوروی مرکزی در آوریل-مه سال ۱۹۲۲، مسئله انتشار روزنامه شکل مشخص‌تری بخود میگیرد: «مسئله تبلیغات حزبی را باید با توجه به اینکه بوروی مرکزی قصد دارد روزنامه را به منطقه خراسان ارسال دارد، حل کرد. بنابراین انتشار روزنامه چنین باشد: يك صفحه بزبان آذربایجانی و يك صفحه بزبان فارسی» (۲).

اما میتوان حدس زد که تنها در اواسط سال ۱۹۲۵ پس از آمدن کاسران آقازاد به ترکمنستان، کمونیستهای ایران انتشار روزنامه «حامبال» را آغاز میکنند.

اولین شماره روزنامه «حامبال» ۲۳ ژوئیه سال ۱۹۲۵ بدتیراژ ۱۰۰۰ نسخه، از جاب خارج شد. روزنامه بعنوان ارگان بخش اقلیت‌های ملی جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکمنستان (بلشویکها) بزبانهای فارسی و آذربایجانی منتشر میشد.

اکثر زحمتکشان ایران در ترکمنستان بعنوان حمال در بنادر و راه آهن کار میکردند و برای کارهای گوناگون ساختمانی بعنوان کارگر ساده استخدام میشدند. نام روزنامه نیز از همین جا گرفته شده است. روزنامه در سرمقاله شماره اول «حمال چه کسی است» موقعیت اجتماعی کارگران ساده ایرانی را چنین توصیف میکند:

«حمال انسانی است که از همه چیز محروم است، او تحت ستم شدید بسر میرود و مجبور است ول بگردد و کار و زحمت خود را بفروشد، او بدنبال کسی میرود که بیشتر به او دستمزد بدهد ...

حمال - کشاورز ایرانی است که بدلیل ستم وحشتناک زمین داران و فئودالهای ایران تمام دارائی ناچیز خود را از دست داده و مجبور شده خانواده خود را بگذارد و بدنبال تکه نانی در سوزمینهای دیگر آواره شود.

حمال - پیشه‌ور ایرانی است که بدلیل سیاست بیرحمانه سرمایه‌داران خارجی در ایران مجبور به ترك حرفه خود شده است.

۱ - آرشیو تاریخ حزب شعبه ترکمنستان ... ، گنجینه ۲۲، سیاهه ۱، پرونده ۱، ورق ۵.

۲ - همانجا، ورق ۳.

بالاخره، جمال - پروتر ایرانی است که تنها به بازوان خود امید بسته است» (۱).

به جزء این، روزنامه در جمال نیروی انقلابی را میدید که فتودالیا - ملاکین ایران بویژه روحانیت در مقابل آن دچار هراس می‌شوند و میکوشند تا آنجا که ممکن است آنها را بیشتر زیر نفوذ خود نگهدارند.

«حامبال» دلیل زندگی بی نهایت رقت‌انگیز کارگران ساده ایرانی را در بیسوادی، و در فقدان آگاهی انقلابی آنها میدید. روزنامه خطاب به خوانندگان خود مینوشت: «دوران اطاعت از روحانیت بسر آمده است. زمانی که تمام خلقهای جهان به خاطر حقوق و استقلال خود مبارزه میکنند، آیا شایسته تو است که با زخمی کردن سر و ضربه زدن به سینه، خود را شکنجه دهی، مانند زن گریه‌کنی و در برابر خارجیان مقتضح شوی؟ فکر کن، چه کسی در بدبختی و جنل امروزی تو مقصر است ... چشمانت را باز کن، زنجیرهای ساده لوحی را که تو را در بر گرفته از خود دور کن، حقوق خود را بشناس و بدنبال راهی بگرد که تو را به پیش ببرد» (۲).

بدین ترتیب روزنامه «حامبال» با بر شمردن تعصب خرافات بعنوان عاملی که آگاهی و انفعال توده اصلی زحمتکشان ایران را توجیه میکند، مبارزه را علیه روحانیت و خرافات متوجه میسازد. تصادفی نیست که در کنار سرمقاله، در همان صفحه اول مقاله «ایام محرم» به چاپ میرسد. در مقاله برخی عزاداری از جمله مراسم «سینه زنی» که در ده روز اول محرم برگزار میشود مورد انتقاد قرار میگیرد. «حامبال» به دشواری فراوان تأثیر بخشیدن بر افکار مردم خرافاتی را اعتراف میکند و با این حال چنین وظیفه‌ای را بر عهده میگیرد. چرا که این «نیاز زمان» (۳) است.

روزنامه مقامات بالای آخوندی و ملائی را که از مسلمانان ساده که سابقه پیدایش مراسم مذهبی را نمیدانند و کور کورانه به روحانیت اعتماد میکنند، بهره جستگه و سود مادی و معنوی فراوانی میبرند، شنیدنا انتقاد و محکوم کرده است.

روزنامه ضمن توضیح اینکه تهلستان ایرانی و زحمتکشان آذربایجانی آخرین دینار خود را که از کار دشوار بدست آورده‌اند به این مفتخواران میدهند، بویژه زیان فراوان روحی و معنوی را که به مردم ساده وارد میشود و احساس ترس و ناتوانی به همراه می‌آورد و آنها را ناچار به سکوت میکند، خاطر نشان میسازد.

نویسنده مقاله (با نام مستعار «زحمتکش») به حوادثی که ۱۳۰۰ سال قبل در کربلا یعنی محل شهادت سومین امام شیعیان حسین روی داد اشاره می‌کند و می‌نویسد

۱ - روزنامه «حامبال»، ۲۲ ژوئیه ۱۹۲۵، شماره ۱. (از این پس: حامبال...)

۲ - همانجا.

۳ - همانجا.

حامیال

روزنامه شماره ۱۰۰۰۰ - روزنامه شماره ۱۰۰۰۰
 شماره ۱۰۰۰۰ - شماره ۱۰۰۰۰

۱۰۰۰۰

۱۰۰۰۰



مخبر گونلری

مخبر گونلری
 اخبار و مستنداتی که در این روزنامه
 درج می شود، از طرف ما جمع شده و
 در اختیار شما قرار می دهد. ما سعی
 می کنیم تا اخبار را به صورتی
 که برای شما مفید است، در اختیار
 شما قرار دهیم. ما سعی می کنیم
 تا اخبار را به صورتی که برای شما
 مفید است، در اختیار شما قرار
 دهیم. ما سعی می کنیم تا اخبار
 را به صورتی که برای شما مفید
 است، در اختیار شما قرار دهیم.

حامیال گیلانی

حامیال گیلانی
 اخبار و مستنداتی که در این روزنامه
 درج می شود، از طرف ما جمع شده و
 در اختیار شما قرار می دهد. ما سعی
 می کنیم تا اخبار را به صورتی
 که برای شما مفید است، در اختیار
 شما قرار دهیم. ما سعی می کنیم
 تا اخبار را به صورتی که برای شما
 مفید است، در اختیار شما قرار
 دهیم. ما سعی می کنیم تا اخبار
 را به صورتی که برای شما مفید
 است، در اختیار شما قرار دهیم.

حامیال گیلانی
 اخبار و مستنداتی که در این روزنامه
 درج می شود، از طرف ما جمع شده و
 در اختیار شما قرار می دهد. ما سعی
 می کنیم تا اخبار را به صورتی
 که برای شما مفید است، در اختیار
 شما قرار دهیم. ما سعی می کنیم
 تا اخبار را به صورتی که برای شما
 مفید است، در اختیار شما قرار
 دهیم. ما سعی می کنیم تا اخبار
 را به صورتی که برای شما مفید
 است، در اختیار شما قرار دهیم.

که این حوادث تنها جنبه مذهبی نداشت. «حسین به عنوان انسان و قهرمانی که از خویشان و پیروان خود در برابر تسلط دیگران دفاع میکرد، بشهادت رسید: روزنامه میپرسد:

«آیا شیوه‌های دیگری برای نگهداشتن خاطره حسین وجود ندارند» و خوانندگان خود را فرامی‌بخشدند تا خون خود را نه در ایام محرم بلکه در راه آزادی خاور زمین و در وحله اول در راه نجات ایران جاری کنند (۱).

انتقاد از خرافات یکی از موضوعهای اصلی مطالب روزنامه «حامیال» است. مقالات باورقی که تقریباً در هر شماره روزنامه بصورت حکایت بیچاپ می‌رسید خیلی جالب است. این حکایات از قول متکلم بیان شده اما نام او ذکر نمیشود. ویژگی چنین حکایاتی مانند «هدیه» (شماره ۱) - «ماجرای من» (شماره ۴) - «دیدار در خواب» (شماره ۴) - «طناب‌دار» (شماره‌های ۸ - ۶) «گفتگوی ما چگونه انجام شده» (شماره ۸) و ... عبارت از این است که در آنها به زبان ساده و نمونهای در باره شرایط تحمل ناپذیر زندگی در ایران که قهرمانان را مجبور میسازد بدنبال کار به خارج بروند، در باره رفتار خشن مقامات محلی با ایرانیان و درباره آندوه سرزمین مادری و خانواده‌ای که آنجا باقی مانده، صحبت میشود. قهرمانان حکایات با بی صبری در انتظار هر خبر کوتاه از روستای خود هستند، و میتوان وضع آنها را هنگامی که اخبار غم‌انگیز آید، گرسنگی، مالیاتهای سنگین، چپاول غارتگران را می‌شنوند درک کرد. با این همه آنها آخرین دینار خود را بعنوان هدیه به مسجد تقدیم میکنند. جائی کم آخوندها و ملاها آنها را به صبر، فراموش نکردن خدا و انجام مراسم مذهبی فرامی‌خوانند. راه برون رفت از این وضع کدام است؟ آنطور که از حکایات بر می‌آید، با معاشرت قهرمانان با لایه‌های مترقی طبقه کارگر و با ورود به سندیکاها، فصل نویسی در زندگی آنها گشوده میشود، فصل بیداری و اندیشمندی.

از میان مطالبی که به‌ایران اختصاص یافته است باید به مقاله «جنبشهای انقلابی در ایران و شکست آنها» اشاره کرد. در این مقاله علل شکست جنبشهای انقلابی در تاریخ ایران از دوران باستان مورد بررسی قرار گرفته و به یک ویژگی یعنی سازمان نیافتگی که خاص تمام این جنبشها بوده اشاره میشود. روزنامه ضمن تاکید بر اینکه: «مردم ایران هنوز نمیدانند شکل یعنی چه و اینکه انقلاب باید بطور سازمان یافته انجام گیرد» این شرایط را علت اصلی شکست جنبشهای انقلابی در ایران میداند (۲).

۱ - حامیال، ۲۳ ژوئیه ۱۹۲۵، شماره ۱.

۲ - حامیال، ۲۰ نوامبر ۱۹۲۵، شماره ۶.

روزنامه «حامبال» نقش تشکل و رهبری در انجام انقلاب را بدرستی خاطر نشان میسازد، دهمقان و کارگران ایران را به برگزیدن رهبران خود، تشکیل سازمان خود و آغاز انقلاب فرا میخواند. در مقاله نه تنها در باره سازمان واحد یعنی حزب کمونیست ایران سخن بمیان نمی آید بلکه در باره خصلت انقلابی که بنظر نویسنده «اگر بطور سازمان یافته تری صورت گیرد، ویرانی کمتر به بار خواهد آورد (۱).

سطح سیاسی مطالب دیگری نیز که به ایران اختصاص یافته درخشان نیست. این امر بیانگر فقدان کادرهای روزنامه نگار متخصص و با تجربه در بین ناشرین روزنامه است. «حامبال» به حیات اجتماعی - سیاسی خلقهای ترکمنستان نیز توجه فراوان دارد صفحات جداگانه شماره چهارم روزنامه به هشتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر اختصاص یافته است. در مقاله های «انقلاب اکتبر و خاور زمین» - «لنین و خاور زمین»، «اتحاد شوروی و خلقهای خاور زمین»، «انقلاب اکتبر و زنان خاور زمین» درباره انجام دگرگونی ها در زندگی جمهوریهای متحده که پیش از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نواحی عقب مانده روسیه تزاری بشمارمی آمدند و درباره دستاورد های خلقهای آسیای میانه در مناطق مختلف، درباره پیروزی سیاست ملی لنینی، درباره تغییر چهره معنوی زنان جمهوری های ملی خاوری که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آزادی کامل به آنها داد و راه زندگی خوشبخت و شاد را در برابرشان گشود، سخن بمیان آمده است (۲).

مطالب روزنامه «حامبال» از لحاظ تنوع موضوع متمایز نیستند. مقاله ها بخشی، اصلی آنرا تشکیل میدهند. زبان و مطالب «حامبال» هم به آذربایجانی و هم به فارسی بسیار ساده و صریح نوشته شده است.

در اولین سال انتشار روزنامه یعنی از ۲۲ ژوئیه تا دسامبر سال ۱۹۲۵، جمعا ۱۰ شماره چاپ شده است.

از ۱ ژانویه سال ۱۹۲۶ «حامبال» با نام «زحمت» منتشر میشود (۳). علی یف، خوس علی یف و ناصرلی وارد هیئت تحریریه آن میشوند. تیراژ آن به ۱۲۰۰ نسخه افزایش مییابد (۴).

در «زحمت» ستونهای بعنوان «مسائل حزبی»، «از بین اقلیت های ملی»، «زندگی زنان»، «طنز کوتاه»، «مغ خنده و انتقاد» و غیره وجود دارد. مطالب اصلی

۱ - حامبال، ۲۰ نوامبر ۱۹۲۵، شماره ۶.

۲ - حامبال، ۷ نوامبر ۱۹۲۵، شماره ۴.

۳ - روزنامه «زحمت»، ۱ ژانویه ۱۹۲۶، شماره ۱ (۱۱).

۴ - مجله «ترکمن شناسی»، ۱۹۲۹، شماره ۵، ص. ۱۶ (بزبان روسی).

«زحمت» نیز علیه خرافات و روحانیت متوجه است. مقاله‌هایی که به زندگی سیاسی و اجتماعی ایران اختصاص یافته، عمدتاً جنبه تفسیری دارند.

مقاله‌هایی مانند «سیاست فارسی‌کردن. نامه‌ای از تبریز» (۱۹۲۶ شماره ۱۰) - «شیوه انتخابات در کشور شاهنشاهی» (۱۹۲۶ شماره ۱۴)، «بازسازی ایران را از کجا باید آغاز کرد» (۱۹۲۶ شماره ۱۳). اگر چه از نظر اهمیت بموقع بودن موضوع ممتازند، اما کمترین بخش مطالب «زحمت» را تشکیل می‌دهند.

در ستون «مسائل حزبی» که بندرت در صفحات «زحمت» دیده می‌شود، مطالبی در انتقاد از کار شعبه‌های ایران و آذربایجان در میان زحمتکشان بچاپ می‌رسد. شعبه‌ها از عهده انجام وظایفی که در برابر آنها قرار دارد برنمی‌آیند و نمیتوانند کارگران ایرانی و آذربایجانی را متحد و رهبری کنند. زندگی حزبی، اجتماعی و فرهنگی ترکمنستان به تفصیل در «زحمت» بررسی می‌شود. در روزنامه مطالبی وجود دارد که به شرایط زندگی و کار نمایندگان اقلیت‌های ملی در آسیای میانه که ایرانیان مهاجر، آنجا را میندوم خود میدانستند، اختصاص دارد. از آغاز سال ۱۹۲۹ بیشتر مطالب روزنامه با حروف لاتین و از ژانویه سال ۱۹۳۰ روزنامه کاملاً با الفبای لاتین چاپ می‌شود. بر اساس تصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکمنستان (بلسویکتیا) روزنامه «زحمت» از سپتامبر سال ۱۹۳۵ به انتشار خود پایان می‌دهد (۱).

نشریات کوتاه مدت و قلیل التعداد کمونیست‌های ایران در ماوراء قفقاز و ترکستان، تحلیل عمیق و تعمیم تجربه مطبوعات کمونیستی را که در سالهای ۱۹۲۵-۱۹۲۰ خارج از کشور منتشر می‌شدند، ممکن نمی‌سازد. اما این نشریات در تربیت سیاسی کارگران ایرانی مقیم خارج از کشور نقش بسیار مهمی ایفاء کردند و به افزایش آگاهی آنها و جذب زحمتکشان ایرانی به شرکت فعال در زندگی اجتماعی و سیاسی کمک رسانند.

مطالب جداگانه ارگان‌های کمونیستی حاکی از سطح رو به رشد سیاسی و تخصص مؤلفین حزبی است. این مؤلفین مسائل بفرنج سیاسی و بین‌المللی را بررسی و وظایفی که حزب در برابر آنها نهاده بود به آگاهی خوانندگان خود می‌رسانند. نشریات خارجی حزب کمونیست ایران نه تنها در محل انتشار بلکه در خود ایران هم پخش می‌شدند و در تبلیغ اندیشه‌های انقلابی نقش معینی داشتند.

۱ - آرشیو تاریخ حزب شعبه ترکمنستان...، کنجینه ۱، سیاهه ۱، پرونده ۰۲۷۴، ورق ۱۲۹.

۴ - هم پیوندی فعالیت تبلیغی کمونیست های ایران در داخل و خارج کشور

انقلابیون ایران با انتشار نخستین نشریات کارگری و کمونیستی خود در خارج از کشور، از همان ابتدا میکوشیدند با نیروهای انقلابی در ایران ارتباط نزدیک برقرار نموده و ارگانهای حزبی را در بین مردم کشور پخش کنند.

درباره سازماندهی ارسال و پخش نشریات حزب «عدالت» و حزب کمونیست ایران در کشور، اطلاعات مشخصی نیست. میتوان جلس زد که نشریات حزبی عمدتاً بوسیله انقلابیون و کارگران ایرانی که بعنوان دیدار خانواده خود اغلب به مین می آمدند، به کشور ارسال میشد. انقلابیون ایران در این کار از تجربه مشخصی برخوردار بودند. اما حکومت ارتجاعی ایران که از نفوذ اندیشه های انقلابی به کشورهاست، کلیه افرادی را که مورد سوءظن فعالیت انقلابی بود، بشدت مورد پیگرد قرار میداد. بطوری که در سالهای ۱۹۲۰ - ۱۹۱۹ گروه های بزرگی از کمونیستها و کارگران ایرانی که برای فعالیت مخفی به ایران آمده بودند، دستگیر شدند (۱).

وضع فوق العاده نابسامان حمل و نقل کشور و ارتباط نسبتاً ضعیف بین سازمانهای محلی حزب نیز از پخش گسترده جراید و مجله های کمونیستی چاپ خارج، در ایران جلوگیری میکرد.

با این همه، ارگانهای مطبوعاتی «عدالت» و نشریات خارجی حزب کمونیست ایران در خود ایران خوانندگانی داشتند که از آنها نامه های بسیار و کمک مالی دریافت میکردند. مثلاً هیئت تحریریه مجله «بیرق عدالت» از خوانندگان خود از ناحیه سراب بخاطر کمک مالی تشکر کرده است (۲). روزنامه «حریت» که ارتباط نزدیکتری با خوانندگان داشت، در شماره های مختلف ایران خبرنگاران ویژه خود را دارا بود که روزنامه را پیوسته از لحاظ اخبار و رویدادهای زندگی سیاسی و اجتماعی ایران و فعالیت سازمان های محلی حزب، تأمین میکردند.

نشریات ترکمنستان «عدالت»، در ایران و حتی در افغانستان هم پخش میشد (۳).

- ۱ - آرشیو تاریخ حزب شعبه آذربایجان ... ، گنجینه ۱۵۳، سیاهه ۱، پرونده ۱۴۵، همانجا، گنجینه ۲۷۶، سیاهه ۱۱، پرونده ۲۲.
- ۲ - بیرق عدالت، ۱۴ ژوئیه، ۱۹۱۷، شماره ۳، ص. ۶.
- ۳ - آناگوردوف، م. د. مختصری از تاریخ مطبوعات ترکمنستان شوروی، عشق آباد، ۱۹۶۲، ص. ۲۲ (بزیان ترکمنی).

پس از تشکیل جمهوری کیلان در ژوئن سال ۱۹۲۰، کمونیستهای ایران امکان یافتند به فعالیت علنی در خود ایران بپردازند. بسیاری از مؤلفین و رجال حزبی از جمله م. ج. جوادزاده، ن. بصیر، ح. ضیاء، ک. آقازاده و دیگران که پس از کنگره اول حزب کمونیست ایران بی درنگ اقدام به انتشار ارگانهای مطبوعاتی آن کرده بودند. مرکز اصلی فعالیت حزب کمونیست ایران در این هنگام منطقه کیلان بود و بسیاری از نشریات حزبی در همین جا منتشر میشد.

ارگان مرکزی حزب روزنامه «کمونیست ایران» (۱) بود که م. ج. جوادزاده، نعمت بصیر و کامران آقازاده آنرا منتشر میکردند.

دومین کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران «نامه عدالت» را در رشت منتشر کرد. مدیر این روزنامه، حسن ضیاء یکی از همکاران فعال «حریت» بود (۲).

در پایان سال ۱۹۲۰، دولت جمهوری کیلان که کمونیستها نیز در آن وارد شده بودند، اقدام به انتشار روزنامه‌های - «لوائی سرخ» - به مدیریت عبدالحسین حسابی و «ایران سرخ» به مدیریت م. لادین، کرده روزنامه «سرباز سرخ» - ارگان حکومت جمهوری کیلان و ارتش سرخ کیلان به مدیریت ابوالقاسم ذره منتشر میشد (۳).

در صفحات جراید کمونیستی که در ایران منتشر میشد اغلب، ستونها، اشکال و شیوه‌هایی به کار گرفته میشد که وسیعاً از طرف مؤلفین ایرانی در نشریات خارجی حزب بویژه در روزنامه «حریت» مورد استفاده قرار گرفته و موفقیت یافته بود.

باید اشاره کرد، جرایدی که حزب کمونیست ایران در کیلان منتشر میساخت تنها از ژوئن سال ۱۹۲۰ تا سپتامبر سال ۱۹۲۱ علنی بودند. پس از قتل خیانتکارانه حیدرخان عمواغلی رهبر حزب کمونیست ایران و همچنین بدلیل یورشهای وحشیانه به اعضای حزب، کمونیستها مجبور شدند به انتشارات حزب کمونیست ایران در کیلان پایان دهند.

در سال ۱۹۲۱ شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری در تهران تأسیس شد و آغاز به انتشار ارگان خود روزنامه «حقیقت» کرد. این روزنامه در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران نقش برجسته‌ای داشت. «حقیقت» نخستین روزنامه مارکسیستی - لنینیستی بود که در پایتخت ایران یعنی تهران منتشر می‌شد. تقریباً تمام مؤلفین حزبی در صفحات روزنامه شرکت فعال داشتند. مدیر «حقیقت» سید محمد دهقان بود و اکثر سرمقاله‌های روزنامه توسط م. ج. جوادزاده نوشته شده است.

۱ - ابراهیم فخرای. سردار جنگل میرزا کوچک خان، تهران، ۱۳۴۴.

ص. ۱۲۲، (از این پس؛ فخرای. کتاب نامبرده).

۲ - ابراهیم‌آف (شاهین). مقاله نامبرده، ص. ۱۴.

۳ - همانجا، ص. ۱۷.

نویسندگان دائمی روزنامه، اعضای دیگر کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران کریم نیکبین و بهمن شیدائی بودند. «حقیقت» علیه استبداد شجاعانه مبارزه میکرد و ماهیت ارتجاعی سیاست مجلس ایران را افشاء میساخت. روزنامه با تکیه بر تئوری مارکسیستی - لنینیستی به سؤالاتی از این قبیل که سندیگاهای صنفی چه خصوصیات دارند، چه کسی کارگر است و چرا او باید سازمان خود را تشکیل دهد، وظیفه اصلی تشکیلات کارگری در ایران چیست و غیره پاسخ میداد. روزنامه علیه تبلیغات جرایم ارتجاعی که ادعا میکردند همچگونه جنبش کارگری در ایران وجود ندارد و اینکه این جنبش را برای منافع سیاست بیگانه ابداع کرده‌اند، شدیداً مبارزه میکرد.

کمیته‌های شهری حزب کمونیست ایران نیز میکوشیدند ارگانهای مطبوعاتی خود را منتشر کنند. مثلاً در شهر خوی روزنامه «کارگر» به مدیریت یکی از رجال برجسته حزب کمونیست ایران میر مندی به چاپ میرسید. با مساعدت فعال تشکیلات تبریز حزب کمونیست ایران، در تبریز روزنامه هفتگی «تکامل» ارگان شورای کارگران تبریز، منتشر میشد. مدیر «تکامل» میرعلی اکبر سراج عضو حزب کمونیست ایران بود.

در سال ۱۹۲۴ در رشت سازمان گیلان حزب کمونیست ایران روزنامه خود - «پیک» را منتشر میکرد و روزنامه‌های «پیام» و «صورت» نیز انتشار مییافتند. از فوریه سال ۱۹۲۴ سازمان قزوین حزب کمونیست ایران نیز روزنامه «نصیحت» را به مدیریت انقلابی مشهور و مبلغ پرشور اندیشه‌های کمونیستی م. کیوانی، بیرون داد.

بدین ترتیب تا پیش از استقرار دیکتاتوری رضا خان پهلوی در ایران در سال ۱۹۲۵، کمونیست‌ها می‌توانستند تقریباً علنی فعالیت تبلیغی کنند و جرایم خود را نشر داده هم در خارج و هم در خود ایران بخش کنند.

سطح مطالب نشریات کمونیستی که در ایران بچاپ میرسید، طرح مسائل، اشکال و شیوه‌های مقاله‌ها حاکی از تجربه و مهارت مؤلفین ایرانی در فن روزنامه‌نگاری است.



انقراض سلسله قاجاریه و به قدرت رسیدن رضا خان پهلوی در کشور، زنجیر رویدادهای سیاسی نخستین ربع سده بیستم در ایران را کامل کرد. مبارزه همگانی ضد فئودالی و ضد امپریالیستی ملت ایران سالهای ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵ مرحله مهم این رویدادها بود. این مبارزه شرایط گسترش اندیشه‌های مارکسیستی را در ایران فراهم آورد.

در سالهای ۱۹۲۵ - ۱۹۱۷ که موج جنبش آزادی بخش کشور را فرا گرفته بود و طبقه کارگر جوان ایران پایه صحنه مبارزه سیاسی نهاد، رویدادهای بویژه بغرنج و غنی بوقوع پیوست.

انقلاب فوریه سال ۱۹۱۷ روسیه به فعال کردن جنبش آزادیبخش - ملی و کارگری در ایران مساعدت کرد. این انقلاب اگر چه سیات امپریالیستی امپراطوری روسیه را تغییر نداد، اما سرنگونی تزار که سمبل خشم و زورگویی بود با شور و شوق فراوان مردم ایران روبرو شد. تشکیل اولین حزب کارگری ایران «عدالت» به مفهوم کامی بزرگ در پیشبرد امر پیوند اندیشه‌های انقلابی با جنبش کارگری بود.

تحت تأثیر مستقیم انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و پیروزی دولت جوان شوروی بر دشمنان داخلی و خارجی در سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۱۸، موج نوین جنبش دمکراتیک و آزادیبخش - ملی در ایران بالا گرفت. مبارزه طبقه کارگر ایران که با خواستهای مستقل خود در این جنبش وارد شده بود، از سوی حزب کمونیست ایران رهبری میشد. بی تردید در این امر سهم بزرگی به مطبوعات حزبی تعلق داشت. مطبوعات کارگران ایران که همزمان با خود حزب بوجود آمدند در نفوذ اندیشه‌های مارکسیسم-لنینیسم در ذهن هزاران زحمتکش ایرانی نقش فراوانی داشتند و به تشدید فعالیت سیاسی توده‌ها و اعتلای جنبش آزادیبخش - ملی و کارگری در ایران کمک کردند.

بویژه ارگانهای مطبوعاتی «عدالت» در امر تربیت یک نسل کامل از کارگران آگاه و باتجربه سیاسی فعالیت زیادی انجام دادند. این‌ها کارگران و تنبیدستان عقب‌مانده‌ای بودند که بدنبال یافتن دستمزد از ایران مهاجرت می‌کردند.

در پرتو فعالیت این نشریات، اندیشه ضرورت دگرگونی در زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور در ذهن هزاران زحمتکش و کارگر ایرانی تشکیل دقیق‌تری یافت. کارگران ایرانی که به مین باز میگشتند سرشار از اندیشه‌ها و معلومات انقلابی درباره اشکال و شیوه‌های مبارزه پرولتری، همبستگی طبقاتی و سنت‌های جنبش کارگری بودند و فعالترین شرکت را در جنبش آزادیبخش - ملی داشتند. دسته‌های متخصص این کارگران در گیلان بودند. «آنها کار خود در کارخانه‌ها را ترک کرده و داوطلبانه برای رهایی مین در بند خود می‌رفتند» (۱).

ارگانهای مطبوعاتی «عدالت» به رشد شهرت حزب در میان مردم ایران و به پیدایش سازمانهای محلی آن در بسیاری از شهرهای کشور کمک کردند. فعالیت انتشاراتی حزب، مرحله تدارکاتی ایجاد مطبوعات کمونیستی ایران بشمار میرفت. مطبوعات کمونیستی ایران در سالهای ۱۹۲۵ - ۱۹۲۰ سلاح مؤثری در تشریح خط مشی حزب

گمونیست ایران و جذب توده‌های گسترده خلق بمبارزه علیه استبداد شاه و اسپریالیسم بود. مطبوعات حزب کمونیست ایران علیرغم برخی اشتباهات در فعالیت خود، در مجموع کار تبلیغی بزرگی را در نشر اندیشه‌های مارکسیستی - لنینیستی در ایران، در وحدت توده‌های زحمتکش بلور حزب و در تحقق وظایفی که حزب تعیین کرده بود، انجام داد. در این امر نقش معینی به نشریات خارجی حزب تعلق دارد. این نشریات نه فقط در تربیت سیاسی و افزایش آگاهی زحمتکشان ایرانی مقیم خارج کار فراوانی کردند بلکه با بخش شدن در ایران به تبلیغ اندیشه‌های انقلابی در کشور کمک کردند. فعالیت ارگانهای خارجی حزب کمونیست ایران در این دوران تنها بخش کوچکی از فعالیت تبلیغی حزب در مجموع خود را در برمیگیرد.

فعالیت اصلی حزب کمونیست ایران و مطبوعات آن در این دوران در خود ایران جریان داشت و بنا بر این جای اصلی در تاریخ مطبوعات کمونیستی در سالهای ۱۹۲۵-۱۹۲۰ را جراید و مجلاتی که در ایران منتشر شدند اشغال میکنند.

